



دفتر برنامه‌ریزی و تحقیقات سیمان
دانشگاه صنعتی امیرکبیر



شرکت سهامی عام
سیمان فارس و خوزستان

آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان

جلد پنجم

تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی خارجی سیمان

ایران و سازمان تجارت جهانی

دکتر بیژن بیدآباد

ویرایش دوم ۱۳۸۳

عناوین مجلدات هفتگانه

- | | |
|------------|--|
| جلد اول: | ساختار اقتصادی صنعت سیمان ایران |
| جلد دوم: | سیمان جهان |
| جلد سوم: | سازمان تجارت جهانی و ایران |
| جلد چهارم: | سیمان کشورها و سازمان تجارت جهانی و معاهدات بین‌المللی |
| جلد پنجم: | تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی خارجی |
| | سیمان ایران و سازمان تجارت جهانی |
| جلد ششم: | آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان |
| جلد هفتم: | خلاصه و نتیجه‌گیری |

فهرست مطالب

فصل پنجم

تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی خارجی سیمان

ایران و سازمان تجارت جهانی

مقدمه	۲
موانع غیر تعرفه‌ای	۳
موانع غیر تعرفه‌ای و سازمان جهانی تجارت	۵
موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران	۱۵
موانع غیر تعرفه‌ای وارداتی	۲۲

۲۲	واردات در مقابل صادرات
۲۶	واردات قبل از صادرات
۲۸	واردات بدون انتقال ارز
۳۳	موانع غیر تعرفه‌ای صادراتی
۳۳	صادرات تجاری کالا
۴۱	ارزیابی موانع غیر تعرفه‌ای در ایران
۵۵	موانع غیر تعرفه‌ای در کانی‌های غیر فلزی
۶۴	تعرفه
۶۷	سازمان تجارت جهانی و نرخ‌های تعرفه
۶۹	تعرفه در ایران
۷۵	تعرفه‌های سیمان
۸۲	اندازه‌گیری حمایت‌های تعرفه‌ای
۸۵	حمایت مؤثر از صنایع در ایران
۸۸	نرخ مؤثر حمایت از صنایع
۹۹	قیمت‌گذاری سیمان
۱۰۲	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۱۸	منابع و مآخذ

فصل پنجم

تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای

و گمرکی در بازرگانی

خارجی سیمان ایران و

سازمان تجارت جهانی

مقدمه

موانع تجاری به انحاء مختلف می‌توانند در اقتصاد ظاهر شوند ولی اعم آنها در قالب مباحث تعرفه‌ای و موانع غیرتعرفه‌ای و گمرکی قابل طبقه‌بندی هستند. در این فصل به بررسی ماهیت این عوامل در بازرگانی صنعتی و بالاخص سیمان خواهیم پرداخت. موانع غیرتعرفه‌ای یکی از موارد مهم مورد نظر سازمان تجارت جهانی می‌باشد که در صورت الحاق ایران به آن سازمان باید تغییر شکل یافته و حتی‌المقدور به تعرفه تبدیل شوند. موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران تنوع زیادی داشته و در سالهای اخیر بسیار تقلیل یافته‌اند. در این ارتباط موانع وارداتی و صادراتی را بررسی نموده و سپس به ارزیابی موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی صنعتی ایران از لحاظ ماهوی خواهیم پرداخت. این بحث را بطور خاص در بخش موانع غیرتعرفه‌ای در کانی‌های غیرفلزی ادامه خواهیم داد. مبحث موانع گمرکی از مباحث مندرج در بخش موانع غیرتعرفه‌ای می‌باشد.

با بررسی ساختار کلی تعرفه در ایران به تعرفه‌های سیمان خواهیم پرداخت. حمایت مؤثر در صنایع و نرخ مؤثر حمایت در صنایع ایران در زمینه تعرفه‌ها از مباحث این بخش می‌باشند. تعرفه‌ها نیز همانند موانع غیرتعرفه‌ای هنگام الحاق به سازمان تجارت جهانی دچار تغییر و کاهش خواهند شد. نظر به اینکه الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم آزادسازیهای قیمتی است در انتها مروری نیز بر موضوع قیمت‌گذاری سیمان خواهیم داشت.

موانع غیر تعرفه‌ای

بطور کلی موانع غیر تعرفه‌ای نسبت به تعرفه‌ها صدمه‌ی زیادی به تجارت جهانی و تک‌تک کشورها وارد می‌آورد. موانع غیر تعرفه‌ای عموماً از لحاظ آثار قیمتی و حمایتی ناشفافند و سبب ایجاد انحراف در الگوهای تولید و مصرف و تجارت در اقتصاد می‌شوند. گرچه این موانع می‌توانند اثرات مطلوبی بر حمایت از تولیدکننده داخلی داشته باشند ولی بر اساس نظریات مختلف تجارت بین‌الملل می‌توان نشان داد که این محدودیتها عملاً باعث کاهش رفاه در جامعه بین‌الملل خواهد شد. از طرفی طبیعت این موانع به گونه‌ای است که پایش یا مانیتور و کنترل آن مشکل است. با این حال به دلیل دیدگاههای حمایتی کشورها از صنایع داخلی همواره تمایل به وضع موانع غیر تعرفه‌ای مشاهده می‌شود. موفقیت‌های چشمگیر دور اروگوئه تحول زیادی در قواعد مربوط به رفع موانع غیر تعرفه‌ای ایجاد نمود^۱. علیرغم این موفقیتها همچنان نظام تجارت چندجانبه در استفاده از تعرفه متناسب با موانع غیر تعرفه‌ای دچار مشکل است. زیرا تعرفه، مرئی و به سهولت قابل مذاکره است ولی موانع غیر تعرفه‌ای دارای این ویژگی نیستند.

براساس موافقتنامه‌های دور اروگوئه مبنی بر تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی

^۱ از این موفقیتها می‌توان تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای در بخش کشاورزی را نام برد. همچنین انجام برخی دیگر از اقدامات مشابه با فزیندی زمانی به تعویق افتادند و قرار شد تا اکثر ترتیبات خودداری‌های داوطلبانه و سایر موانع مشابه شامل ترتیبات بازاریابی فرمایشی، مجوزهای واردات تبعیضی، رویه‌های پایش قیمت و همچنین اتحادیه‌های وارداتی اجباری ملغی و تا پایان سال ۱۹۹۹ میلادی متوقف شوند. در شرح سایر موارد مشابه و همچنین روند کاهش استفاده از موانع غیر تعرفه‌ای نگاه کنید به: (Bosworth 1999).

کشورها به معادل تعرفه‌ای آن، علی‌القاعده کشورهای عضو می‌بایست موانع غیرتعرفه‌ای خود را که به نحوی در بازرگانی خارجی مؤثر است از میان برداشته و با احتساب رقمی معادل حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیرتعرفه‌ای مزبور ارقامی بعنوان تعرفه تعیین و در گمرکات خود اعمال نمایند. در این بخش ضمن بررسی کلیات این موضوع از ابعاد مختلف به ارتباط موانع غیرتعرفه‌ای در ایران با یکدیگر خواهیم پرداخت. بدین منظور موانع غیرتعرفه‌ای بخش صنعت را برشمرده و با استفاده از اطلاعات سری زمانی زیر بخشهای مختلف صنعت از ابعاد صادرات و واردات همسو نبودن این موانع را بررسی خواهیم کرد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا همه موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده در بازرگانی خارجی ایران در جهت تحدید یا تشویق واردات یا صادرات می‌باشند یا خیر. چنانچه موانع غیرتعرفه‌ای با هم همسو نباشند می‌توان براحتی استدلال کرد که حذف دسته جمعی این موانع باعث ایجاد اثر قابل توجهی در بازرگانی خارجی ایران نخواهد شد و بلکه کارایی بازرگانی خارجی را نیز افزایش خواهد داد.

موانع غیر تعرفه‌ای و سازمان جهانی تجارت

یکی از اهداف موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) فراهم کردن محیطی با ثبات و قابل پیش‌بینی برای صنایع و بنگاه‌های بازرگانی کشورهای متفاوت است که در آن محیط بتوانند تحت شرایط رقابت عادلانه و برابر با یکدیگر تجارت کنند و انتظار می‌رود این نظام تجاری باز و آزاد از طریق افزایش تجارت بتواند سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال بیشتر را ترویج و بدین سان توسعه اقتصادی تمام کشورها را تسهیل نماید. در عین حال که این موافقتنامه خواستار تجارت آزاد است می‌پذیرد که کشورها از صنایع خود در مقابل رقابت خارجی حمایت کنند اما آنها را تشویق می‌کند تا این حمایت را در سطوح پایین و از طریق تعرفه‌ها اعمال کنند و از محدودیت‌های کمی و غیر تعرفه‌ای در مورد واردات منع می‌نماید. مع‌هذا این قاعده تابع استثنائات معین است و یک استثناء مهم آن این است که به کشورهایی که مشکلاتی در تراز پرداختهای خود دارند اجازه می‌دهد تا برای تنظیم وضعیت مالی خارجی خود واردات را محدود کنند. در مقایسه با کشورهای توسعه یافته این استثناء انعطاف بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه قائل می‌شود و به آنها اجازه می‌دهد از محدودیت کمی بر واردات نیز استفاده نمایند به شرط آنکه برای جلوگیری از کاهش جدی ذخایر پولی آنها ضروری باشد. بدین ترتیب بسیاری از کشورهای در حال توسعه علاوه بر تعرفه‌های بالا محدودیت کمی بر واردات در بخشهای کشاورزی و صنعتی اعمال می‌نمایند. مع‌هذا این محدودیت‌ها در اکثر موارد بر طبق استثنائات موجود بر قواعد مزبور از بعد حقوقی قابل توجیه بود.

سازمان جهانی تجارت توجه قابل ملاحظه‌ای را بر استفاده از محدودیت‌های کمی و سایر

اقدامات غیر تعرفه‌ای مطرح نمود تا بلکه بتواند هر چه بیشتر این اقدامات را کمتر نماید. برای مثال در بخش کشاورزی، منسوجات و پوشاک طبق موافقتنامه‌های مربوطه، کشورهای عضو می‌بایست محدودیت‌های کمی و نظام‌های عوارض متغیر خود را کنار گذاشته و تعرفه‌ها را جایگزین آنها سازند. گرچه علاوه بر موارد فوق موافقتنامه گات ۱۹۹۴ قویاً کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا حتی برای حفظ وضعیت ترازپرداخت‌های خود از محدودیت‌های کمی استفاده نکنند و در این راستا از کشورهای عضو اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه می‌خواهد که در این قییل شرایط اقدامات مبتنی بر قیمت (نظیر مالیات اضافی بر واردات و الزام سپرده واردات) را بر محدودیت‌های کمی ترجیح دهند تا تأثیر آنها بر قیمت محصولات وارداتی شفاف و قابل سنجش باشد و تنها در وضعیت حاد ترازپرداخت‌ها به محدودیت‌های کمی متوسل شوند آن هم در شرایطی که تصور شود اقدامات مبتنی بر قیمت نتواند باعث بهبود تراز پرداخت‌های کشور شود.

دیگر قاعده مهم گات این بود که تعرفه‌ها و سایر اقدامات غیر تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخلی باید کاهش یافته و در صورت امکان از طریق مذاکرات کشورهای عضو حذف شود و تعرفه‌هایی که بدین صورت کاهش یافته‌اند باید تثبیت شوند و دیگر افزایش نیابند. هر کشور عضو بر اساس جدول جداگانه‌ای متعهد است تعرفه یا سایر حقوق گمرکی یا هزینه‌هایی مازاد بر میزان توافق شده را وضع ننماید. همچنین اقداماتی نظیر وضع محدودیت‌های کمی که ارزش امتیازات تعرفه‌ای را کاهش دهد نباید اتخاذ کنند.

اصل حاکم بر مبادله امتیازها در مذاکرات تصریح می‌نماید که کشورها در مذاکرات تجاری

خود توافق می‌کنند تعرفه‌ها را کاهش داده و افزایش‌های بعدی تعرفه‌ها را منتفی و سایر موانع غیرتعرفه‌ای را حذف کنند. کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی خواستار دسترسی بیشتری به بازار سایر کشورها است باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر امتیازاتی داده‌اند، امتیازاتی اعطا کند. این قاعده «عمل متقابل کامل» بر مذاکرات فی‌مابین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال نمی‌شود و از کشورهای در حال توسعه خواسته می‌شود بر اساس «عمل متقابل نسبی» امتیازاتی را اعطا نمایند. قاعده عمل متقابل نسبی این واقعیت را مد نظر قرار می‌دهد که به دلیل نیازهای تجاری و مالی، کشورهای توسعه نیافته ممکن است قادر نباشند امتیازاتی را بر همان مبنا به کشورهای توسعه یافته اعطا کنند. همچنین این قاعده از یک مفهوم تدریجی برخوردار است و تصدیق می‌کند که همچنانکه کشورهای در حال توسعه، به تدریج به مرتبه بالاتری از توسعه یافتگی می‌رسند، در نهایت ممکن است قادر باشند بر مبنای مشابه با کشورهای توسعه یافته امتیازات تعرفه‌ای اعطا نموده و تعهداتی را بپذیرند. در دور اروگوئه تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه توافق نمودند تا با کاهش درصدی از تعرفه‌های خود امتیازاتی بدهند و مطابق اصل عمل متقابل نسبی این امتیازات با درصدی پایین‌تر از آنچه بر کشورهای توسعه یافته قابل اعمال است برای کشورهای در حال توسعه مقرر شد.

در خلال دور اروگوئه دو عامل سبب تمایل بیشتر کشورهای در حال توسعه برای اعطای امتیازات و پذیرش تعهدات بالاتر شد اول اینکه تعداد زیادی از این کشورها از لحاظ اقتصادی در آن سال‌ها رشد داشتند و دوم اینکه تغییر عمده‌ای در سیاست تجاری تقریباً تمامی کشورهای در حال

توسعه صورت گرفته بود. زیرا در گذشته سیاست جایگزینی واردات را تعقیب و دیوارهای تعرفه‌ای بلندی ایجاد می‌نمودند تا تولید داخلی را حمایت نمایند بنابراین اعطای امتیازات به شکل کاهش تعرفه برای آنها مشکل می‌نمود ولی در حال حاضر این کشورها سیاست تشویق صادرات را پیگیری کرده، تعرفه‌ها را کاهش و موانع غیرتعرفه‌ای و محدودکننده واردات را حذف می‌کنند. این سیاست تجاری باز آنها را قادر ساخت تا شرایط چانه‌زنی خود را در مذاکرات با کشورهای توسعه یافته بهبود بخشند.

شرط معروف دول کامله‌الوداد (MFN)^۱ اعلام می‌دارد اگر کشوری عضو سازمان تجارت جهانی به کشور دیگری هرگونه تعرفه یا امتیاز دیگری برای هر محصولی اعطا کند باید فوراً و بدون قید و شرط آن را به محصول مشابه سایر کشورها تعمیم دهد. تعهد تعمیم این رفتار نه تنها بر واردات بلکه بر صادرات نیز اعمال می‌شود.

اصل رفتار ملی کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا با محصولات وارداتی رفتاری کاملاً یکسان و مشابه با کالاهای ساخت داخل داشته باشند. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست بر محصول وارداتی که با پرداخت حقوق گمرکی به کشور وارد شده است مالیات‌های داخلی (مالیات بر فروش یا عوارض دیگر) با نرخ‌های بالاتر از آنچه بر محصولات داخلی مشابه اعمال نموده وضع نماید.

^۱ Most Favored Nations Treatment

بنگاه‌های صادراتی عموماً تعرفه‌ها را بر محدودیت‌های کمی ترجیح می‌دهند زیرا تعرفه‌ها شفاف هستند و تأثیر آنها بر قیمت قابل پیش‌بینی است، همچنین استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی موجب عدم اطمینان در تجارت می‌شود زیرا مقامات اداری (کشور واردکننده) میزان سهمیه‌ها یا موانع غیرتعرفه‌ای را هر وقت که مقتضی بدانند تغییر می‌دهند و اغلب به دلایل گوناگون واردکنندگان را مجبور به اخذ مجوز واردات می‌کنند و این قبیل موانع غیرتعرفه‌ای برای نظارت بر محدودیت‌های کمی در شرایط خاصی برای کشورهای عضو مجاز است و یا ممکن است برای نظارت بر آمارهای تجاری یا قیمت‌های برخی کالاها مورد استفاده قرار گیرد. موافقتنامه دور اروگوئه صدور مجوز واردات را رویه‌ای اداری تعریف می‌کند که مستلزم تسلیم یک تقاضانامه به اداره مربوطه به عنوان پیش شرط واردات کالا است. موافقتنامه اروگوئه نظام‌های صدور مجوز را به دو دسته اتوماتیک و غیراتوماتیک تقسیم می‌کند. در نظام اتوماتیک مجوزها بطور اتوماتیک و بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌ها صادر می‌شود ولی در نظام غیراتوماتیک مقامات بازرگانی در اعطای مجوزها به صلاحیت خود عمل می‌کنند.

منع محدودیت بر واردات بر صادرات نیز اعمال می‌شود، معهذا استثنائات اندکی در این مورد وجود دارد. بدین ترتیب که کشورها آزادند تا صادرات را مشروط بر موارد زیر محدود یا ممنوع نمایند:

۱- اجرای استانداردها یا مقررات برای طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاهای تجاری

بین‌المللی.

۲- منع صادرات جهت برطرف کردن کمبودهای شدید مواد غذایی یا سایر محصولات اساسی.

علاوه بر موارد فوق کشورها از وضع محدودیت بر صادرات در موارد ذیل منع می‌شوند:

۱- صدور مواد خام به منظور حمایت یا تشویق تولید داخلی.

۲- برای اجتناب از رقابت میان صادرکنندگان.

به خاطر الزام گات مبنی بر غیرتبعیضی بودن اقدامات حفاظتی، کشورها خودداریهای داوطلبانه صادراتی^۱ (VERs) یا ترتیبات (توافقات) بازاریابی فرمایشی^۲ (OMAs) را به وجود آوردند. طبق این ترتیبات کشورهای واردکننده از کشورهای صادرکننده‌ای که افزایش صادرات دارند می‌خواهند صادرات خود را تا سطح مورد توافق محدود نمایند. این ترتیبات و محدودیت‌ها تنها بر واردات برخی از کشورها اعمال می‌شود و با این قاعده که محدودیت بر واردات باید بر پایه غیرتبعیض آمیز اعمال شود ناسازگار است. هدف اصلی مذاکرات دور اروگوئه در این زمینه این بود که اقدامات محدودکننده نظیر خودداریهای داوطلبانه صادراتی و سایر اقدامات تبعیض آمیز با اصول و قواعد گات سازگار باشد.

همچنین موافقتنامه اجازه می‌دهد که در شرایط استثنایی کشورهای عضو از قاعده عدم تبعیض عدول کنند و محدودیت‌های سهمیه‌ای را تنها در مورد یک یا چند کشور اعمال نمایند،

¹ Voluntary Export Restrictions

² Orderly Marketing Arrangements

مشروط به اینکه واردات از این کشورها نسبت به کل واردات محصول ذریبط در دوره نمونه رشد نامتناسبی را نشان دهد. این اقدامات حفاظتی را تنها باید تا میزانی اعمال نمود که برای جلوگیری یا جبران لطمه جدی و یا تسهیل روند وفق دادن ضروری باشد. کشورهای عضو بایستی جهت اتخاذ این قبیل اقدامات موافقت سازمان جهانی تجارت را اخذ کنند و در اعطای این تأییدیه انتظار می‌رود سازمان جهانی تجارت شرایط سختی را وضع نماید تا تضمین شود که محدودیت‌ها تنها برای دوره‌ای موقت هستند.^۱

بررسی‌های بعمل آمده حاکی از آن است که موانع غیر تعرفه‌ای OECD^۲ بطور قابل توجهی سهم بیشتر واردات از کشورهای در حال توسعه را نسبت به واردات از سایر کشورهای صنعتی متأثر می‌سازد. تقریباً ۱۸ درصد از صادرات غیر نفتی کشورهای در حال توسعه مواجه با اقدامات غیر تعرفه‌ای است، در حالی که سهم مذکور برای واردات از OECD حدود ۱۰ درصد است. بین ۵۲ تا ۶۴ درصد از صادرات منسوجات و پوشاک کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کمتر از ۱۰ درصد صادرات OECD از کالاهای مذکور مواجه با محدودیت است. نسبت‌های پوشش^۳ موانع غیر تعرفه‌ای برای صادرات چرم و کفش کشورهای در حال توسعه ۱۷ تا ۲۷ درصد بیشتر از

^۱ نگاه کنید به راهنمای تجاری دور اروگوئه، مرکز تجارت بین‌الملل کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد و سازمان جهانی تجارت و دبیرخانه مشترک المنافع، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

^۲ Organization for Economic Cooperation & Development

^۳ نسبت تجارت مواجه با اقدامات غیر تعرفه‌ای به میزان کل تجارت، نسبت پوشش (Trade Coverage Ratio)

تعریف می‌شود. نگاه کنید به: Bora, Kuwahara, Laird (2002)

محصولات کشورهای صنعتی است. خودداری‌های داوطلبانه صادراتی و روش‌های مجوزهای خاص ورود عمدتاً دلیل اختلاف نسبت‌های یاد شده می‌باشد. نسبت‌های پوشش همواره برای کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته نیست. به طور مثال در مورد اقلام غذایی نسبت پوشش برای کشورهای صنعتی ۲۸ درصد و برای کشورهای در حال توسعه ۱۸ درصد است. در کل از جمله محدودیتهای عمده برای واردات، عوارض متغیر بر واردات است که در گروه مواد غذایی و خوراک با ۵۲ درصد از کل پوشش موانع غیر تعرفه‌ای تجارت را شامل می‌شود. پس از آن محدودیت‌های کمی با پوشش ۳۰ درصد تجارت و سایر اقدامات کنترل قیمت (مانند حداقل قیمت‌های واردات) ۱۷ درصد از کل تجارت را پوشش می‌دهند.^۱

تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای از طریق تعرفه‌ای کردن با توجه به اختلاف واقعی بین قیمت‌های داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. تفاوت بین قیمت‌های داخلی و خارجی کالاها یعنی شکاف قیمت ایجاد شده معرف تعرفه بر حسب مقدار بوده و درصد اختلاف بین آنها معادل تعرفه ارزشی است که جانشین موانع غیر تعرفه‌ای خواهد شد. تعرفه ارزشی یا حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیر تعرفه‌ای از تقسیم اختلاف قیمت محصول در بازار داخلی و قیمت کالاهای وارداتی شامل تعرفه و هزینه حمل cif به قیمت کالاهای وارداتی با همان شمول ذکر شده بدست می‌آید. قیمت‌های خارجی مورد استفاده برای محاسبه تعرفه ارزشی و تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای برابر است با متوسط ارزش cif

^۱ نگاه کنید به: لوموشینی و سایرین (۱۳۷۷).

واحد واردات برای کشور واردکننده و هرگاه متوسط ارزشش cif واحد در دسترس نبوده یا مناسب نباشد میتوان از متوسط ارزشش fob واحد از کالای یک یا چند صادرکننده عمده مناسب و با افزودن برآوردی از هزینه‌های بیمه و حمل و نقل و دیگر هزینه‌های مربوط به کشور واردکننده و یا تبدیل قیمت‌های خارجی به پول داخلی با استفاده از متوسط نرخ ارز سالانه بازار، استفاده نمود. قیمت‌های داخلی نیز به صورت قیمت عمده فروشی رایج در بازار تعریف می‌شود. Deardorff and Stern (1998) اصول راهنمای زیر را برای اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای برمی‌شمارند^۱:

- اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای باید به گونه‌ای باشد که میزان معادل تعرفه را برحسب قیمت‌های داخلی کالاهای تجاری نشان دهد.
- تنها اثرات مستقیم بر قیمت‌های داخلی باید برای محاسبه تعرفه معادل استفاده شوند.
- یک روش یکتا که بتوان بعنوان روش قابل اتکا برای اندازه‌گیری تعرفه معادل موانع غیرتعرفه‌ای در تمام بخشها بکار گرفت وجود ندارد.
- جایگزین برای برخی موانع غیرتعرفه‌ای خاص وجود ندارد.
- تأکید اصلی می‌بایست بر روشهایی باشد که اطلاعات خود را از داده‌های منتج از بازار می‌گیرند تا از برآوردهائی از داده‌ها.
- در عمل بسیاری موانع غیرتعرفه‌ای وجود دارند که نمی‌توان برای آنها روشهای با کیفیت مناسب برای معادلسازی تعرفه پیدا نمود.

¹ Generalized Systems of Preferences

- با توجه به نااطمینانی مرتبط با اندازه‌گیری معادل تعرفه موانع غیر تعرفه‌ای بهتر است نتایج درون یک فاصله اعتماد تقریبی ارائه و تحلیل شوند.
- بهتر است برآوردهای تعرفه معادل برای ریزترین سطح ممکن اقلام کالاها محاسبه شوند.

به هر حال با توجه به شرایط موجود کشورهای جهان در عملکرد به موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی باید اذعان نمود که هنوز موانع زیادی بر سر راه تجارت آزاد وجود دارد و این موانع در تجارت مرتبط با کشورهای مختلف با یکدیگر نموده‌های خاصی را نشان می‌دهد. برای مثال اصل دول کامله الوداد، مناطق آزاد تجاری، اتحادیه‌های گمرکی نظامهای تعمیم یافته^۱ (GPS) برای کشورهای در حال توسعه همچنان تبعیض آمیز عمل می‌کنند. همچنین علی‌رغم اینکه تعرفه‌ها روند نزولی دارند ولی سایر موانع تجاری نظیر سهمیه‌های تعرفه و استانداردهای فنی و بهداشتی رو به افزایش هستند و حمایت از تولیدات داخلی در حال حاضر ناشفافتر عمل می‌نماید.^۲

در مجموع می‌توان ابراز نمود که موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی عملاً موانع مختلف غیر تعرفه‌ای (NTMs) تجاری را به شکل خاصی از موانع فنی تجارت (TBTs) تبدیل نموده است. به هر حال علی‌رغم این دیدگاه علی‌القاعده در روند پیوستن به فعالیتهای تجاری جهانی لزوماً حرکت‌های عمده‌ای در جهت تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای باید برداشت.

^۱ برای بررسی پیچیدگیها و محدودیتهای آماری مرتبط با اندازه‌گیری موانع غیر تعرفه‌ای نگاه کنید به: Deardorff (1998).

^۲ نگاه کنید به: Bouet et al (2001).

موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران

با توجه به الزاماتی، در مورد کالاهای خاص از ابعاد مختلف بهداشت، استاندارد، اعتقادات مذهبی، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تولیدات داخلی، بازگرداندن درآمد حاصل از صادرات، سیاستهای تنظیم واردات در مقابل صادرات و ... موانع غیر تعرفه‌ای متعددی وضع گردیده که اهم آنها در ایران در زیر آمده است.^۱ لازم به ذکر است که مازاد بر صورت موانع غیر تعرفه‌ای زیر باید بر ماهیت سیاسی برخی موانع غیر تعرفه‌ای نیز اشاره نمود که غالباً در درون تصمیمات مختلف مقطعی ظهور پیدا می‌کند و عملاً سبب ایجاد اختلال در امر واردات یا صادرات کشورها می‌شود. برای مثال تبا نیهایی که دولتها در مورد متهم به مسموم بودن برخی مواد غذایی کشوری خاص انجام می‌دهند که سبب ورشکستگی صنایع مرتبط با آن کالا در کشور مزبور می‌شود را می‌توان نام برد. برای مثال عدم بهداشتی تلقی کردن پسته و خرما ی ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا و یا عدم بهداشتی معرفی کردن محصولات کشاورزی ایران در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس از جمله نمونه‌های بارزی در مورد ایران می‌باشند. تحریم صدور کالا از طریق فشارهای سیاسی بین‌المللی نیز خود طیف وسیعی از تحولات را در بخش بازرگانی خارجی کشورها ایجاد می‌نماید. برای مثال دوران تحریم اقتصادی ایران مخصوصاً در سالهای جنگ ایران و عراق ماهیت این موضوع را روشن می‌نماید. سهمیه بندیهای ارزی خود یکی دیگر از موانعی است که نمی‌توان آن را در غالب موانع

^۱ نگاه کنید به: بیدآباد (۱۳۷۵).

تعرفه‌ای طبقه بندی نمود. این سهمیه بندیها عملاً تخصیص واردات را در کشورها به نفع اولویت‌های دولت تغییر می‌دهد. وجود نرخهای ارز چند گانه نیز به انحاء مختلف تخصیص‌های واردات و صادرات را بر هم می‌زند. گرچه نرخ ارز عملاً از لحاظ عملکرد جزو موانع تعرفه‌ای بوده و غیر تعرفه‌ای نیست ولی اثر بسزایی در بازرگانی خارجی دارد و این اثر در زمان وجود نرخهای چند گانه از شدت اثر بیشتری در تحدید یا تشویق واردات و صادرات برخوردار است. برخی از موانع غیر تعرفه‌ای جنبه بین‌المللی دارد و مورد ایراد نیست مانند رعایت استانداردهای رسمی و بین‌المللی تا جایی که ایمنی و سلامت نیروی کار و مصرف کننده مطرح است یا بهداشت و قرنطینه حیوانی و دامی، ملاحظات ایمنی و مذهبی ملی و امنیتی و انرژی اتمی در رابطه با مواد آلوده کننده یا مواد پرتوافکن. ولی سایر موانع مثل ممنوعیت یا محدودیت‌ها و مجوزهای ورود، الزامات ثبت سفارش، کارت بازرگانی، عضویت در اتاق بازرگانی، حمل با وسایل نقلیه داخلی، خرید بصورت پیش‌بینی شده و محدودیت و یا ممنوعیت به اعتبار مبداء حمل یا ساخت یا هر دو، منوط به منحصراً استفاده از ارز دولتی، و بسیاری موارد مشابه دیگر می‌باشد. این قبیل موانع عملاً بر روند واردات اثر می‌گذارند و آن را کند می‌کند ولی با توجه به اینکه همواره راه‌های مختلفی برای جبران این محدودیت‌ها در قالب‌های دیگر نظیر واردات از مناطق آزاد و غیره باز می‌شود می‌توان ادعا کرد که این موانع نیز قادر نبوده‌اند در روند واردات ایران تأثیر چندانی گذارند و یا تهدیدی برای آن محسوب شوند. برای بحث بیشتر در مورد چگونگی اثر موانع فنی تجارت (TBTs) بر بازرگانی بین کشورها به Baldwin(2000) مراجعه

نمائید.^۱

پیمان ارزی تقریباً در اکثر سالهای قبل و بعد از انقلاب وجود داشته است. لیکن تفاوتی بین قبل و بعد از انقلاب وجود دارد و این تفاوت، فقدان اختلاف نرخ ارز با نرخ رسمی و حتی در مواردی ارزان تر بودن نرخ ارز بازار نسبت به نرخ ارز رسمی در سالهای قبل از انقلاب می باشد. علیرغم وجود پیمان ارزی این مانع نتوانسته است تأثیر عمده ای در روند بازگشت منابع ارزی بجا بگذارد. در حال حاضر پیمان سپاری ارزی در بازرگانی خارجی ایران حذف شده است.

انواع موانع غیر تعرفه‌ای مذکور در این بخش لااقل در دو الی سه دهه گذشته در اقتصاد ایران مطرح بوده‌اند و بسیاری از آنان نیز در حال حاضر منسوخ می‌باشند ولی از باب جامعیت تحلیلها آورده شده‌اند. به طور کلی از میان حدود ۵۱۱۶ ردیف تعرفه‌ای (بدون لحاظ کردن فصل ۷۷) حدود ۹۵/۱۹ درصد مشروط، حدود ۳/۴۸ درصد ممنوع و حدود ۰/۱۶ درصد مجاز می‌باشند، همچنین ۱/۱۷ درصد نیز کالاهایی هستند که از قوانین خاص پیروی می‌کنند.^۲ کالاهای مشروط همگی مستلزم رویه‌های خاص اجرائی در روند صادرات و واردات می‌باشند. گونه‌های موانع غیر تعرفه‌ای^۲

^۱ نگاه کنید به: Baldwin (2000).

(۲) - رازینی، ابراهیم علی. روشهای منطقی کردن تعرفه‌های در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی چاپ اول، آبان ۱۳۷۸ صفحه ۱۶۵.

^۲ اقلامی نظیر حقوق و عوارض گمرکی، سود بازرگانی، عوارض ویژه، عوارض شهرداری، عوارض هلال احمر، عوارض شهرداری محل، حق ثبت سفارش، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض بندری، عوارض بهداشتی، مابه‌التفاوت سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان و نظایر آنان موانع تعرفه‌ای تلقی می‌گردند و دنباله در صفحه بعد

زیر از اهم موانع می‌باشند:

- ۱- محدودیت واردات به اعتبار تولیدات یا محصولات داخلی با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی.
- ۲- محدودیت واردات به لحاظ مشکلات ارزی و به منظور حفظ تعادل بین واردات و صادرات.
- ۳- محدودیت واردات به لحاظ عدم برخورداری کالا از اولویتهای تعیین شده.
- ۴- ممنوعیت واردات به لحاظ تولید مشابه داخلی به حد کافی.
- ۵- ممنوعیت واردات به لحاظ تجملی یا لوکس بودن یا غیر ضروری بودن کالا.
- ۶- ممنوعیت واردات به لحاظ مبدأ یا به اعتبار کشور مبدأ.
- ۷- ممنوعیت واردات به لحاظ کیفیت کالا (مستعمل بودن کالا) یا (کهنه بودن کالا مثلاً الیاف کهنه).
- ۸- ممنوعیت به لحاظ اغفال خریداران در ارتباط با مبدأ کالا (مثلاً کالاهایی که با علائم تجاری و نام کارخانجات معروف یا کشورهای خاص عرضه می‌شود).
- ۹- ممنوعیت به موجب قوانین خاص.
- ۱۰- ممنوعیتهایی که طبق شریعت مقدس اسلام به اعتبار مصرف کالا وضع شده.

دنباله از صفحه قبل

همچنین وجوهی که در مقابل خدمات انبارداری، تخلیه، بارگیری، بارچین، بیمه و غیره دریافت می‌شوند ارتباطی با تعرفه‌های گمرکی ندارند و مزد خدمات به حساب می‌آیند. برای شرح بیشتر این موضوع به بیدآباد (۱۳۷۵)، صفحات ۱۱۱-۶۶ مراجعه شود.

۱۱- الزامات قانونی واردات شامل :

- ثبت سفارش کالا در وزارت بازرگانی.
- ثبت سفارش کالا در بانک.
- بیمه باربری نزد شرکتهای بیمه ایرانی.
- کارت بازرگانی.
- کارت اقتصادی.
- تودیع ودیعه برای واردات.
- الزام به ارائه گواهی بازرسی برای مقامات دولتی نظیر بانکها، وزارتخانه‌های صنعتی و غیره.
- اخذ گواهی استاندارد حسب مورد.
- اخذ گواهی بهداشت حسب مورد.
- اخذ گواهی قرنطینه و غیره حسب مورد.
- رعایت ضوابط بانک مرکزی در ثبت سفارش و موعد گشایش اعتبار و غیره.
- پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به بانک.
- پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به وزارت بازرگانی.
- رعایت روشهای توصیه شده برای واردات از لحاظ تقسیمات :
 - واردات با ارز دولتی (ارز بازرگانی) به نرخهای شناور، صادراتی و غیره، یا

- واردات با ارز غیر بازرگانی (واردات بدون انتقال ارز)، یا
- واردات از محل قراردادهای دولت با کشورهای بیگانه (پایپای قراردادی)، یا
- واردات بصورت پایپای مرزی (پبله وری)، یا
- واردات به صورت مبادلات مرزی، یا
-

۱۲- در رابطه با صادرات، محدودیتها و ممنوعیت به لحاظ زیر وضع می شود:

- محدودیت به لحاظ نیاز داخلی.
- محدودیت به لحاظ ممانعت از افزایش قیمتها در داخل.
- ممنوعیت به لحاظ شرعی.
- ممنوعیت به اعتبار قوانین خاص.
- ممنوعیت صدور اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی.

۱۳- الزامات قانونی صادرات شامل :

- قیمت گذاری کالای صادراتی توسط کمیسیون نرخ گذاری.
- کارت بازرگانی.
- کارت اقتصادی.
- تودیع پیمان ارزی برای کالای صادراتی.

- رعایت استانداردهای اجباری.
- رعایت بهداشت.
- رعایت مقررات قرنطینه دامی یا نباتی.

۱۴- اخذ مجوزهای ورود یا صدور برای کالای مجاز مشروط.

۱۵- تعیین ارزش کالای ورودی توسط گمرک مبتنی بر معیارهای قانونی تعیین ارزش کالای ورودی در گمرک.

۱۶- تعیین ارزش کالا بدون توجه به مستعمل بودن کالا.

موانع غیر تعرفه‌ای متعددی در ایران بطور مجزا در بخشهای صادرات و واردات صنعت شناسایی شده است. گرچه در سالهای اخیر در جهت مهیا نمودن شرائط الحاق به سازمان جهانی تجارت بسیاری از این موانع غیر تعرفه‌ای حذف شده‌اند ولی این موضوع باعث تغییر در نتیجه‌گیری ناشی از این مبحث در مورد اقتصاد ایران نخواهد شد. این موانع به شرح زیر می‌باشند:

موانع غیر تعرفه‌ای وارداتی

موانع مختلف غیر تعرفه‌ای مهم در بخش واردات ذیلاً شرح داده شده‌اند.^۱

واردات در مقابل صادرات

در رویه واردات در مقابل صادرات اجازه داده می‌شود در مقابل صادرات کالا، توسط صادر کننده، یا شخص ثالث در عوض معرفی و فروش ارز به نظام بانکی، کالا برای تسویه تعهدات ارزی که احتمالاً در مورد صادرات مقرر گردیده، وارد شود. این رویه برای کالای مجاز، یا کالای مشروطی که برای آن مجوزهای لازم اخذ و مراحل قانونی شامل ثبت سفارش و غیره طی شده باشد اعمال می‌گردد. ماده ۵ قانون واگذاری معاملات ارزی به بانک مرکزی نیز مقرر می‌دارد، که هنگام صدور کالا، تعهد ارزی براساس ارزیابی گمرک، به موجب پیمان نامه ارزی اخذ یا تودیع شود و ظرف مهلت مقرر، (هشت ماه) ارز حاصل از صادرات را به نظام بانکی معرفی نماید. در همین قانون مقرر شده که می‌توان برای تسویه حساب ارزی کالا وارد نمود. موارد زیر قابل توجه هستند:

الف- مواردی که برای صادرات تعهد یا پیمان ارزی اخذ نمی‌شود:

- ارز حاصل از صادرات به نظام بانکی معرفی، و در صورت تمایل صادرکننده به بانک فروخته

^۱- بسیاری از مباحث گمرکی در این بخش از تجربیات و مکتوبات همکار محترم آقای رضا بنائی استفاده شده است: بنایی، رضا، ۱۳۸۱، آشنایی با مقررات گمرکی ترخیص کالا، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

می‌شود.

- ارزش حاصل از صادرات در حساب بانکی مخصوص صادر کننده در خارج واریز می‌شود.
- ارزش حاصل از صادرات در خارج از کشور به مصرف می‌رسد (غیر از واردات)
- در حساب ارزی در داخل واریز می‌شود.
- مواردی که اجازه ورود کالا با ارزش حاصل از صادرات بدون تعهد یا پیمان ارزی داده شده، از طریق سیستم بانکی، یا بدون استفاده از سیستم بانکی اقدام به ورود کالای مجاز با رعایت سایر شرایط نماید.
- اجازه داشته باشد، در صورت معرفی ارزش به نظام بانکی از محل ارزش حاصل از صادرات کالای مجاز با احراز سایر شرایط وارد نماید.
- با استفاده از روش صدور مجوز واردات با ارزش منشاء خارجی، واردات در مقابل صادرات انجام پذیرد.
- با استفاده از روش واردات بدون انتقال ارزش، اقدام به ورود کالا از محل ارزش تحصیل شده بابت صادرات نماید.
- سایر موارد

ب- مواردی که صادرات موکول به تودیع تعهد ارزی است:

در مواردی که برای صادرات طبق مقررات تودیع پیمان ارزی توصیه شده که اصطلاحاً

برقراری پیمان وجود دارد حالات زیر اتفاق می‌افتد:

۱- ارزش حاصل از صادرات باید نخست به نظام بانکی معرفی شود. سپس از محل ارزش معرفی شده با فرض حالات مختلف به شرح زیر اقدام به ورود کالا نماید.

- تمام کالاهای مجاز و مجاز مشروط، به شرط اخذ مجوزهای لازم قابل ورود در مقابل صادرات یا با ارزش حاصل از صادرات می‌باشند و قید فهرست اعلام شده مانع ورود نمی‌باشد.
- اقلام قابل ورود در مقابل صادرات مشخص شده است، در این صورت منحصراً اجازه ورود کالا از محل فهرست مربوطه داده می‌شود.
- کشور مبدأ یا مقصد می‌تواند هر کشوری غیر از کشورهای ممنوع‌المعامله باشد.
- ثبت سفارش در وزارت بازرگانی لازم است.
- ثبت سفارش از طریق نظام بانکی اجباری است.
- بیمه کالا الزامی است.
- ورود کالا در مقابل صادرات به شرح فوق منحصراً توسط صادر کننده میسر است، و یا صادر کننده مجاز است این امتیاز را به دیگری واگذار نماید، و یا این جابجایی و انتقال با اجازه بانک مرکزی میسر است.

۲- لازم نیست ارزش حاصل از صادرات به نظام بانکی معرفی، و یا به کشور انتقال داده شود، و صادر کننده مجاز است، معادل صادرات، اقدام به ورود کالای مجاز نماید. در این حالت نکات موارد زیر قابل ذکر است:

- این اختیار صرفاً به واحدهای تولیدی داده شود.
 - به تمام صادر کنندگان چنین امتیازی داده شود.
 - کالاهای خاصی، مثلاً مواد اولیه واحدهای تولیدی وارد کننده قابل ورود باشد.
 - کلیه کالاهای مجاز قابل ورود باشند.
- ۳- صادرات به کشورهایی که مشتری در آن کشور به هر دلیلی از نظام بانکی استفاده نمی کند، و یا منحصرأ در مقابل تحویل کالا، حاضر به مبادله کالا می باشد، در این صورت:
- ممکن است واردات محدود به کالاهای خاصی در مقابل صادرات به این کشورها باشد و یا تمام کالاهای مجاز، یا مجاز مشروط با اخذ مجوز و رعایت سایر مقررات اجازه ورود در مقابل صادرات به این کشورها را پیدا کنند.
 - واردات در مقابل صادرات منحصرأ توسط صادر کننده انجام شود و یا این امتیاز توسط صادر کننده قابل واگذاری به سایر وارد کنندگان مجاز می باشد.
 - کالاهای وارده در مقابل صادرات ساخت کشور می باشد که صادرات به آن کشور انجام گرفته است و یا محدود به کالای ساخت سایر کشورهای از این گروه نیز می باشد، و یا صرف نظر از کشور مبدأ معین، واردات در مقابل صادرات اجازه داده شود.
 - ثبت سفارش در وزارت بازرگانی الزامی باشد، و یا از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی معاف باشد.
 - در صورت فراهم آمدن شرایط استفاده از نظام بانکی، استفاده از این طریق اختیاری باشد.

- بیمه کالا نزد شرکت بیمه ایرانی اختیاری باشد.
- استفاده از ناوگان حمل و نقل خارجی برای واردات اجازه داده شود.

طبق مقررات عمومی صادرات و واردات، واردات کلیه کالاهای مجاز و مجاز مشروط با اخذ

مجوز در مقابل صادرات مجاز است، و مقید به فهرست خاصی نمی باشد.

واردات قبل از صادرات

واردات قبل از صادرات به دو صورت متداول است:

الف- واردات موقت برای پردازش به شرط صدور مجدد

- این رویه گمرکی طبق قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۷۲/۷/۴ اجازه داده شده است. براساس ماده ۱۲ این قانون: «واردات قبل از صادرات مواد و کالاهای مورد مصرف در تولید، تکمیل، آماده سازی و بسته بندی کالاهای صادراتی به صورت ورود موقت با ارایه تعهد یا سفته معتبر به گمرک از پرداخت کلیه وجوه متعلقه به واردات، جز آنچه که جنبه هزینه یا کارمزد دارد، معاف است». در ذیل این ماده تذکراتی در مورد لزوم اعاده کالا به خارج دایر بر «صدور مجدد ظرف مهلت» عدم شمول مجوزهای ورود، عدم محدودیت به معرفی و صدور مجدد توسط وارد کننده کالا، داده شده است، همچنین برای صدور مجدد امتیازاتی قایل شده است. در این رویه با استفاده از قانون مقررات صادرات و واردات،

تضمین‌های لازم توسط گمرک اخذ و بعضاً مجوز وزارت صنایع و معادن برای تسهیل واردات موقت توسط واحدهای تولیدی توصیه شده است.

علاوه بر ماده فوق به طور کلی معافیت واردت موقت به شرط صدور مجدد، طبق بند ۴ ماده ۳۷ قانون امور گمرکی مصوب خرداد ۱۳۵۰ تحت عنوان «واردات موقت» از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف است. توضیح اینکه این رویه را نباید با «واردات قبل از صادرات» یکی دانست، بلکه باید با قید «موقت» و «صدور مجدد» در مورد رویه «واردات موقت قبل از صدور مجدد» بین این دو رویه تفکیک قایل شد. رویه «واردات موقت قبل از صدور مجدد» یک رویه گمرکی «ورود موقت» است و تفاوت کلی با «واردات قبل از صادرات» دارد. از دیگر مشخصات «واردات موقت قبل از صادرات مجدد» که موجب تمیز با روش قطعی است می‌توان موارد زیر را نام برد:

- از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی و اخذ مجوز معاف است و اصولاً ارتباطی با وزارت بازرگانی ندارد.
- مجوز ساخت یا عدم ساخت وزارتخانه‌های صنعتی را نیاز ندارد.
- در بانک احتیاج به ثبت سفارش ندارد.
- فرض می‌شود که مالک اصلی کالا در خارج از کشور مقیم است. و وارد کننده صاحب کالا نیست، و کالا امانت را گرفته تا تکمیل کند و اعاده دهد
- ارزی برای ورود موقت کالا تخصیص یا انتقال داده نشده است.
- ضرورتاً وارد کننده تولید کننده نیست.

- از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف است.
- ممکن است بدون انجام هرگونه پردازش عیناً «صدور مجدد» شود. در موقع صدور مجدد، اعم از اینکه پردازشی بر آن انجام گرفته باشد یا نباشد، یا عیناً معرفی شود، برای ارسال به هر مقصدی پذیرفته می‌شود.
- در صورت احراز شرایط طبق مقررات عمومی صادرات و واردات قابل تبدیل به واردات قطعی است.

ب- واردات قطعی قبل از صادرات قطعی

این رویه با رویه قبلی دو تفاوت عمده به شرح زیر دارد:

- واردات قطعی طبق شرایط عمومی مقررات صادرات و واردات انجام می‌گیرد.
- صادرات بعدی از محل تعهد بابت واردات قطعی، صادرات قطعی است، نه صادرات مجدد.

واردات بدون انتقال ارز

در چند سال اخیر واردات بدون انتقال ارز به شکل یک رویه گمرکی درآمده بود به طوری که بخشی از نیازهای کشور به واردات تقریباً از همین محل تأمین می‌شد. به لحاظ مشکلاتی که این رویه در مسائل ارزی کشور به وجود آورد به تدریج تضعیف شد تا جایی که طبق مقررات جاری به شکل سابق آن منتفی گردید و تحت عنوان واردات غیرارزی تنها محدود به مواردی است که طبق

قانون پیش‌بینی شده است. در ماده^۱ ۳۸ در خصوص واردات غیرارزی آمده است^۲:

۱- مفاد این ماده آیین نامه اجرایی و قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) مصوب ۱۳۷۳ است که مطابق مصوبه شماره ۵۹۱۷۴/ت/۲۱۰۹۲ هـ.مورخ ۷۹/۱۲/۲۳ اصلاح گردیده است.

۱- رضا بنائی (۱۳۸۱) در آشنایی با مقررات گمرکی ترخیص کالا به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی توضیحاتی پیرامون ماده ۳۸ مطرح می‌نمایند که به شرح زیر است:

(۱) بند «۲» ماده ۳۸- در ارتباط با مضمون این بند در هر حال اگر در مقررات صادرات و واردات نیز تصریح نمی‌شد، به عنوان یک اصل پذیرفتنی بود برای اینکه وقتی کالایی وارد و برای گمرک معلوم شود کسری دارد و فروشنده هم قاعدتاً ملزم به جبران است دیگر موردی برای ذکر موضوع در این مقام نمی‌ماند منتهی، با اضافه شدن دو تبصره به این بند اجازه داده شده حتی بعد از ترخیص کالا از گمرک چنانچه این کسری یا ضایعات برای صاحب کالا معلوم گردد با تشخیص وزارتخانه صنعتی ذیربط و موافقت وزارت بازرگانی کالای جدید به عنون واردات موقت مطابق مدلول بند ۲ موصوف پذیرفته شود. البته ذکر این نکته هم لازم است که در هر حال اگر بعد از ترخیص از گمرک «کسری» یا «ضایعات» معلوم شود در این صورت برخلاف مواردی که قبل از ترخیص این میزان کسری، یا ضایعات مشخص می‌شد اولاً حقوق و عوارض ورودی که از بابت آن مقدار کالای کسری، یا ضایعات وصول شده قابل استرداد نمی‌باشد ثانیاً کالای جدید که به عنوان جایگزین بعداً وارد می‌شود نیز مشمول حقوق و عوارض ورودی است حتی بعضی عوارض مثل حق ثبت سفارش که قبلاً برای تمام کالای وارد شده در مرحله نخست وصول شده، برای کالای جایگزین نیز مجدداً وصول خواهد شد، بدیهی است در چنین مواردی اگر کالای اولیه از طریق نظام بانکی وارد شده، در هر حال برای تسویه تعهدات در بانک ناگزیر، جواز، یا پروانه ورودی بابت کالای جایگزین، باید به بانک ارائه شود. اخذ مجوزهای ورود نظیر، مجوز عدم ساخت که یکبار برای کل کالا وصول شده در مراحل بعدی برای ورود کالا جایگزین ضرورت ندارد. در مواردی که کالای وارد شده به دلیل ضایع شده یا هر دلیل دیگر مثل عدم تطبیق با مشخصات پیش فاکتور به خارج فرستاده می‌شود (با رعایت تبصره ماده ۳۸) کالای اخیر به عنون صادرات قطعی به گمرک اظهار و جایگزین آن به عنون واردات قطعی شناخته می‌شوند ولی اگر کالا در زمانی که هنوز در گمرک است و ترخیص نشده بخواهد به عنون عدم تطبیق با ضایع شدن به خارج ارسال شود اولاً به عنون کالای مرجوعی اظهار می‌شود ثانیاً کلیه حقوق و عوارضی که بابت آن کالا قبلاً به گمرک پرداخت شده مسترد می‌گردد، در این صورت مجوز وزارت بازرگانی و وزارتخانه صنعتی ذیربط هم منتفی است. در مورد کسری کالا نیز هرگاه محموله گمرک موجود باشد (کلاً) و کسر ثابت شود کلیه حقوق و عوارضی که بابت کسری قبلاً پرداخت شده مسترد و جواز یا پروانه گمرکی فقط برای آن قسمت از کالا که ترخیص می‌شود در هر دو حالت فوق صادر و در اختیار صاحب کالا قرار خواهد گرفت.

دنباله در صفحه بعد

- ۱- قطعات یدکی، ابزار برشی، قالب نو یا مستعمل و نمونه کالا (برای تحقیق و کپی برداری) برای واحدهای تولیدی، آموزشی یا تحقیقاتی همچنین نمونه دارو (فرآورده‌های دارویی، مواد اولیه و مواد جانبی) و مواد مورد نیاز برای بسته‌بندی آن، تجهیزات و ملزومات پزشکی،

دنباله از صفحه قبل

۲- بند «۳» ماده ۳۸- ذکر این نکته حایز اهمیت است که بند «۳» ماده ۳۸ آییننامه قانون مقررات در اصل دارای ایراد است و شاید خواسته‌اند از واژه «پورسانت» استفاده نکنند کلمه «تخفیف» را آورده‌اند برای اینکه مدلول بند «۳» منحصرأ موارد مشمول این عنوان یعنی «پورسانت» را در بر می‌گیرد در حالی که تخفیف به هر دلیل و تحت هر عنوان «مثلاً تخفیف مخصوصی، تخفیف مقدار، تخفیف نمایندگی، تخفیف برای تبلیغات، تخفیف نقدی، و ...» جز تخفیف تجاری با جنبه عمومی "General Trade discount" عملاً در گمرک به استناد ماده ۱۰ قانون امور گمرکی به قیمت کالا اضافه می‌شود و حقوق و عوارض آن هم وصول می‌شود و کالا با ارزش نهایی (بعد از افزایش تخفیف) پروانه یا جواز می‌شود. بنابراین مدلول بند «۳» موصوف فقط می‌تواند ناظر به «پورسانت» یا جوهری باشد که ممکن است فروشنده فارغ از بهای صادراتی کالا، به عناوین مختلف به خریدار اعطاء نماید که در این صورت ترجیح داده شده از محل پورسانت، کالا به نفع خریدار وارد شود که مصداق بدون انتقال ارز هم به آن صحیح خواهد بود از طرفی اگر قرار بر این باشد که از محل تخفیف واردات به صورت بدون انتقال ارز تسهیل شود، احتمال نمایش غیر واقعی تخفیف تحت عناوین مختلف و با ارقام بالا و تسری به بسیاری از محمولات وجود خواهد داشت. بنابراین در برخورد با بند «۳» باید این تذکرات را مدنظر قرار داد.

۳) بند «۵» ماده ۳۸- اصولاً قید این بند در ماده ۳۸ محل تأمل است زیرا اگر منظور ماشین‌آلات، لوازم، وسایل و ابزار کار پیمانکاران خارجی است که برای انجام پیمان با درخواست سازمان دولتی و حتی بخش خصوصی وارد می‌شود طبق مدلول ماده ۱۴۴ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب فروردین ماه ۱۳۵۱ کلیه دستگاههای فنی، وسایل راهسازی، سدسازی و اسکله سازی و هر نوع ساختمان و تعمیرات و خاکبرداری لوازم نصب و سوار کردن کارخانجات و تأسیسات صنعتی و نظایر آن و حتی لوازم یدکی و وسایل تعمیر آنها، به عنوان واردات موقت پذیرفته می‌شود و شرط خاصی هم جز موافقت گمرک ایران با درخواست صاحب کار (اعم از دولتی، یا غیردولتی) ندارد بدیهی است سایر شرایط نظیر تودیع تعهدات و تضمین‌هایی که گمرک میزان آن را تعیین می‌کند و رعایت مهلت یا مهلت‌هایی که گمرک برای ورود موقت می‌دهد ندارد لذا با این ترتیب و با وجود محمل قانونی (آیین نامه اجرایی قانون گمرک، چون مصوب کمیسیون‌های مجلس است در حکم قانون است)، اولاً بند ۵ مورد بحث می‌تواند نافذ باشد، ثانیاً موافقت وزارت بازرگانی نیز منتفی است مگر اینکه گفته شود مندرجات بند ۵ موصوف ناظر به کالاهای مصرفی مورد نیاز پیمانکاران است که آن هم بعید به نظر می‌رسد و یا حداقل ضرورت دارد به طور شفاف بیان شود تا هر ابهامی را از میان بردارد.

آزمایشگاهی و بهداشتی، شیر و غذای کودک، کتب و نشریات و تجهیزات آزمایشگاهی و ملزومات تحقیقات علمی برای دانشگاه‌های علوم پزشکی در صورتی که جنبه تجاری نداشته باشد رأساً به نام واحد تولیدی یا مؤسسه آموزشی یا تحقیقاتی یا درمانی مربوط قابل ورود و ترخیص است.

۲- در صورت کسر تخلیه، ضایعات کالای وارداتی و مغایرت کالای وارداتی با کالای سفارش شده که فروشنده خارجی ملزم به ارسال کالای مجانی جبران خسارت می‌گردد کالای ارسالی با تشخیص گمرک ایران و موافقت وزارت بازرگانی قابل ورود و ترخیص است.

تبصره ۱- کسری محتویات محموله‌های (C.K.D) کارخانجات مونتاژ که پس از ترخیص کالا از گمرک معلوم می‌گردد تنها با تشخیص وزارتخانه تولیدی ذیربط و موافقت وزارت بازرگانی قابل ترخیص خواهد بود.

تبصره ۲- اقلام وارداتی مورد نیاز واحدهای تولیدی که پس از ترخیص از گمرک مشخص شود فاقد کیفیت مورد سفارش بوده با تأیید وزارتخانه تولیدی ذیربط و تأیید وزارت بازرگانی قابل ترخیص است.

۳- در مواردی که خریدار موفق به اخذ تخفیف از فروشنده شود با مشخص نمودن ارتباط مورد با واردات قبلی خود، واردات و ترخیص کالای ارسالی بابت تخفیف با تشخیص گمرک ایران و موافقت وزارت بازرگانی بلامانع است.

- ۴- کاتالوگ، بروشور، تقویم، کتابچه، CD، دیسکت، نوار و میکروفیلم حاوی مشخصات فنی و تجاری کالا، اسناد مربوط به حمل کالا، نقشه‌های فنی و نمونه‌های فاقد بهای ذاتی (نظیر تابلو منسوجات و غیره) بدون پرداخت سود بازرگانی و بدون کسب مجوزهای مقرر در جدول ضمیمه این آیین‌نامه قابل ترخیص می‌باشد.
- ۵- کالاهای مورد نیاز پیمانکاران و مشاوران، با تشخیص و موافقت سازمان دولتی ذیربط و موافقت وزارت بازرگانی قابل ورود و ترخیص است.
- ۶- ورود و ترخیص موقت یا قطعی کتب و نشریات، CD، دیسکت، نوار و میکروفیلم حاوی مطالب علمی و فرهنگی و سایر محصولات صنعت چاپ، تکثیر و کپی برداری و در زمینه‌های علمی و فنی با موافقت وزارتخانه‌های «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» حسب مورد و در سایر زمینه‌ها با موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدون ارائه هیچگونه مجوز دیگری قابل انجام است.
- ۷- اجزای قطعات، تجهیزات و لوازم مورد نیاز خط تولید واحدهای تولیدی داخلی که براساس قرارداد فروش از طرف فروشندگان خارجی به صورت رایگان به نام واحد تولیدی ارسال می‌گردد، به تشخیص وزارتخانه تولیدی ذیربط و موافقت وزارت بازرگانی قابل ترخیص خواهد بود.
- ۸- اجزاء، قطعات و لوازم مورد نیاز برای تعمیر و نگهداری و خدمات پس از فروش دستگاههای خارجی موجود در داخل کشور توسط نمایندگی‌های مجاز، با کسب مجوزهای لازم قابل

ترخیص می‌باشد.

موانع غیر تعرفه‌ای صادراتی

موانع مختلف غیر تعرفه‌ای مهم در بخش صادرات ذیلاً شرح داده شده‌اند.^۱

صادرات تجاری کالا

صادرات قطعی عبارت از کالایی است که به منظور فروش یا مصرف در کشورهای خارج از قلمرو سیاسی ایران به خارج فرستاده می‌شود، اعم از قلمرو گمرکی یا قلمرو غیر گمرکی (بنادر یا مناطق آزاد تجاری). صادرات کشور به طور کلی از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض، بخشوده می‌باشد.^۲ همچنین از پرداخت هر گونه عوارض داخلی معاف است و هیچ مرجعی حق ندارد به هیچ عنوان عوارضی به کالاهای صدوری کشور وضع یا از کالاهایی که به ترتیب ترانزیت به خارج از شهر یا نقاطی عبور می‌نمایند، عوارضی وصول نماید.^۳ به منظور تشویق صادرات، تمهیداتی به موجب قانون یا مصوبات متکی به قانون به عمل آمده که از این قبیل است: تخفیف^۴ در هزینه‌های گمرکی کالای صادراتی نظیر: انبارداری، باربری و هزینه‌های به ندرت و حتی مهر سربی و غیره.

^۱ - بنایی، رضا (۱۳۸۱) آشنایی با مقررات گمرکی ترخیص کالا به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

۱- بند ۴ ماده ۳۷ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰).

^۲ - ماده ۱ قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب ۱۳۳۳/۱۱/۳۶).

^۳ - به موجب ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب ۳۴/۵/۳۶) و ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰).

به منظور حمایت از صادرات و تشویق صادرکنندگان موارد زیر قابل ذکر است:

(۱) قیمت‌گذاری کالای صادراتی

قیمت‌گذاری کالای صادراتی از لحاظ آماری یا جهات متعدد دیگر، خصوصاً زمانی که صادرات مشمول اخذ پیمان ارزی (تعهد ارزی)^۱ می‌باشد، حایز اهمیت خواهد بود. بنابراین ارزش هر کالای صادراتی به لحاظ مذکور و همچنین از جنبه احتساب و اخذ مالیات بر درآمد صادرکنندگان، در گمرک تقویم می‌شود. طریق قیمت‌گذاری در سالهای اخیر به موجب قانون^۲ توسط کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت بازرگانی، بانک مرکزی، وزارتخانه صنعتی ذیربط، مرکز توسعه صادرات و گمرک ایران، همچنین نمایندگان اتحادیه مربوطه به معرفی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران انجام می‌شود.

(۲) یارانه صادراتی

این شیوه در مواردی به اجراء درمی‌آید که صدور کالا و حضور آن در بازار خارجی و

^۴ - پیمان یا تعهد ارزی برحسب سیاستهای بازرگانی خارجی کشور ممکن است برقرار یا حذف شود.

^۱ - ماده ۲۲ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب (۱۳۶۶/۴/۱۱) البته طبق مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۷۳ تعیین ارزش کالای صادراتی به وزارت بازرگانی محول شده است صرف نظر از اینکه قیمت‌گذاری کالای صادراتی توسط چه مرجعی صورت می‌گیرد همواره عاملی که در تعیین قیمت صادراتی، مؤثر خواهند بود در نظر گرفته شده و توسط گروهی که مسئولیت قیمت‌گذاری به آنها محول می‌شود، اعمال می‌گردند هزینه ارزی مصرف شده در زنجیر تولید و قیمت مشابه کالا در بازارهای خارجی نیز از این قبیل است.

تداوم و استمرار صادرات، مستلزم حمایت از صادرکننده است که در غیر این صورت وی به دلیل زیانی که صدور کالا دارد از این اقدام منصرف خواهد شد. سوبسید صادراتی به صورت پرداخت وجه (نقدی) یا اعطاء معافیت‌های مالیاتی می‌باشد. در حال حاضر بخشی از فعالیت‌های صادراتی، برحسب نوع کالا از معافیت مالیاتی برخوردار هستند.

۳) معافیت یا تخفیف پیمان ارزی

مقید کردن صادرکننده به اینکه ارز حاصل از صادرات را به کشور، بازگرداند الزامی قانونی است.^۱ حال ممکن است برحسب مقتضیات اقتصادی کشور ورود کالا یا کالاهای خاصی به جای معرفی ارز، توصیه شود، که تمام این ابزار ایفای تعهد از طرف صادرکننده می‌باشد منتهی در این چند دهه همواره شاهد اعمال سیاست‌های مختلف در این زمینه بوده‌ایم، که در عین حال وضع پیمان یا تقلیل و تخفیف یا معافیت در میزان صادرات در هر دوره بر صادرات تأثیر گذاشته به طوری که زمانی حذف پیمان را ابزاری برای توسعه صادرات و زمانی برقراری مجدد آن را به صلاح اقتصاد کشور دانسته‌اند. در حال حاضر پیمان ارزی به عنوان مانع صادرات تلقی نمی‌گردد.

۴) واردات در مقابل صادرات

^۲ - ماده ۵ قانون واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران (مصوب ۱۳۳۶/۱۲/۲۴) به شرح: «صادرکنندگان مکلفند در موقع صدور کالا تعهد ارزی براساس ارزیابی گمرک به بانک ملی ایران سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و با رعایت تبصره ۱ این ماده به بانکهای مجاز بفروشند...»

از این شیوه، به عنوان ابزاری برای تشویق صادرکنندگان استفاده می‌شود، شرح جزییات راجع به این شیوه در بخش قبل آورده شد. این شیوه در مواردی که واردات به طور کلی از آزادی مطلق چه در رابطه با شرایط ورود، و چه از لحاظ تخصیص ارز دولتی، و یا به طریق «غیرارزی» برخوردار نیست، و دستیابی به مجوزی یا محملی برای ورود کالا مشکل است، و یا محدودیتهایی دارد مطلوب صادرکنندگان است مخصوصاً زمانی که نوع کالای قابل ورود در مقابل صادرات، نیز منحصراً در اجرای این شیوه محدود شود. در سالهای گذشته از این روش با تغییراتی برای تشویق صادرکنندگان استفاده شده است.

۵) بازپرداختهای گمرکی

تحت این روش، صادرکنندگان مجاز خواهند شد، بعد از صدور کالا، حقوق گمرکی سود بازرگانی و عوارضی را که برای ورود آن قسمت از مواد یا لوازم و قطعات کالای صادره، قبلاً به هنگام ورود پرداخت نمودند را مسترد نمایند.

طبق ضوابط^۱، صادرکننده باید اسناد مورد نیاز که مؤید مصرف مواد و قطعاتی که قبلاً از

۱- در گذشته طبق «قانون استرداد حقوق گمرکی مواد اولیه مصنوعات ماشینی کارخانجات داخلی» (مصوب ۱۳۴۵/۲/۱۸) در هنگام صدور کالای ساخت داخله این وجوه که قبلاً بابت حقوق و عوارض مواد اولیه و قطعات، پرداخت شده، بر مبنای زمان صدور، مسترد می‌شد. در سال ۱۳۶۷ ماده واحده‌ای از تصویب مجلس گذشت که مبنای استرداد را نرخهای زمان ورود و یا به عبارتی همان مبلغی که قبلاً پرداخت شده بود قرار داد. بالاخره طبق قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) اجازه داده شد که وجوه پرداخت شده در مورد مواد بکار رفته در دنباله در صفحه بعد

خارج وارد نموده و در ساخت کالای موضوع صادرات بکار رفته، همچنین لوازم بسته‌بندی یا مواد اولیه برای ساخت لوازم بسته‌بندی که آن هم قبلاً از خارج وارد شده، نظیر پروانه‌های گمرکی ورودی (جواز سبز) به انضمام پروانه خروجی کالای صادراتی و نسخه (قرمز) که مهر و امضا گمرک خروجی کشور، دلالت بر صدور قطعی کالا از کشور دارد را ارائه نماید.

قبل از انجام این امور متقاضی باید به قسمت صنایع وزارتخانه صنعتی ذیربط مراجعه و با تنظیم و تسلیم فرمهای مخصوص امکان بررسی و تعیین مقدار مواد مصرفی و لوازم بسته‌بندی در واحد محصول صادراتی را به آن وزارتخانه جهت تعیین ضریب بازپرداخت گمرکی بدهد. ضرایب بازپرداخت بعد از حصول گزارش واحد صنعتی مذکور، با عنایت به نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی، طبق مقررات صادرات و واردات سال صدور مواد و قطعات بکار رفته در واحد محصول، توسط گمرک احراز و دستور بازپرداخت داده می‌شود.

ورود مجدد کالایی که با تسهیلات این بند، از کشور خارج گردیده منوط به استرداد حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض آن قسمت از مواد یا لوازم و قطعاتی است که قبلاً توسط گمرک به تولید کننده بازپرداخت شده است. در این صورت این قبیل کالاها از پرداخت حقوق گمرکی،

دنباله از صفحه قبل

کالای صادراتی، به هنگام صدور قطعی از کشور به اخذ زمان صدور قابل استرداد می‌باشد. رضا بنائی، آشنائی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، ۱۳۸۱، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

سود بازرگانی و عوارض ورود نیز معاف خواهند بود.^۱ نکته قابل ذکر اینکه این قانون و تسهیلات مربوط به آن منحصر به مصنوعات ماشینی کارخانجات داخلی بوده است در حالی که به موجب قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۷۲، استرداد جز در مورد صادرات کالاهایی که عیناً مطابق آنچه وارد شده صادر می‌شود امکان پذیر است.

۶) استرداد حق ثبت سفارش

چنانچه مواد و قطعات ساخت، یا مواد و لوازم بسته‌بندی کالای صادراتی قبلاً موضوع واردات قطعی به کشور بوده و در نتیجه وجوهی بابت حق ثبت سفارش پرداخت شده باشد، به هنگام صدور طبق همان تشریفات که برای استرداد حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض مقرر گردیده، با ارائه جواز خروجی، جواز ورودی و مدارک مؤید پرداخت حق ثبت سفارش به حساب بانک مرکزی قابل استرداد به نفع صادر کننده یا تولید کننده خواهد بود.^۲

۷) معافیت گمرکی لوازم بسته‌بندی کالای صادراتی

در جهت توسعه صادرات و تشویق صادرکنندگان و امکان استفاده از لوازم بسته‌بندی مناسب برای کالاهای صادراتی، بخصوص در مواردی که تهیه این لوازم در داخل مقدور نبوده و فقدان آنها موجب توقف صدور کالا یا عرضه آن با بسته بندی نامناسب گردد، صادرکنندگان مجاز خواهند

^۱ - بند ۱۵ ماده ۳۷ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰)

^۲ - تبصره ۱۵ متمم قانون بودجه سال ۱۳۵۰

بود^۱، هر نوع مواد و لوازم بسته بندی نظیر: گونی، چتایی، پارچه، طناب کنفی، تسمه فلزی، میخ، تخته، کاغذ و مقوا برای تهیه جعبه یا کارتن یا به عنوان لفاف و بسته بندی کالای موضوع صادرات را با شرط صدور مجدد (Re-Exportation) با تعلق حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارضی که به ورود قطعی کالا تعلق می‌گیرد، به صورت موقت وارد کشور نموده و حداکثر تا یک سال از تاریخ ورود با کالای صادراتی از کشور خارج نمایند.

۸) معافیت گمرکی ماشین‌آلات و دستگاهها

این معافیت مخصوص ماشین‌آلات برای تولید، اصلاح و تبدیل، بسته‌بندی، تصفیه، شستشو، تمیز و پاک کردن مواد، ضد عفونی و همچنین کارخانجات تهیه مواد و لوازم یدکی و تولید ماشین‌آلات و تجهیزات و غیره می‌باشد که در کار تولید و توسعه صادرات نقش مؤثری دارند و از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی معاف می‌باشند^۲.

در هر یک از موارد مشمول بند (۷)، صادر کننده موظف است به هنگام صدور اظهار نامه

^۱ - علاوه بر بند «ب» ماده ۳ قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب ۱۳۳۳/۱۱/۲۳) ماده ۹ آیین نامه اجرایی قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب ۱۳۴۳/۵/۲۱) و طبق ماده ۱۲ قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) اجازه داده شده که مواد که لوازم آماده سازی و بسته بندی کالای صادراتی، به صورت ورود موقت با ارائه تعهد با سفته معتبر به گمرک با معافیت از گمرک مرخص شده و با کالای صادراتی به تدریج از کشور خارج می‌گردند.

^۲ - بند ج ماده ۳ قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب ۱۳۳۳/۱۱/۲۳) فقط ناظر به ماشین‌آلات نو و غیرمستعمل است.

نسبت به مقدار مواد و لوازم مصرف شده که به صورت ورود موقت به کشور وارد شده، به گمرک تسلیم و گمرک نیز متقابلاً پس از تطبیق و اطمینان از صدور معادل میزان مواد و لوازم مصرف شده از محل اظهارنامه ورود موقت را در ظهر پیماننامه صادراتی پشت نویسی و مراتب را در پروانه و اظهارنامه ورود موقت و برعکس منعکس می نماید. در مواردی که با موافقت گمرک ایران، وارد کننده اولیه بخشی از مواد و لوازم بسته بندی را که برای بسته بندی کالای صادراتی با صدور مجوز کمیسیون مربوطه از گمرک ترخیص نموده، و صادر کننده دیگری واگذار و انتقال دهد، کار تنظیم و تسلیم اظهارنامه خروجی توسط صادر کننده اخیر انجام می گیرد، ولی در هر حال مسئول انجام تعهد ورود موقت برای صدور مجدد (اعاده به خارج) همان صادر کننده اولیه (وارد کننده مواد و لوازم به صورت موقت) می باشد.

لازم به ذکر است که براساس ماده واحده قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض از تاریخ تصویب این قانون ۷۹/۱۲/۱۷ صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه عوارض معاف است و هیچیک از وزارتخانه ها، سازمانها، نهادها، دستگاههای اجرایی، شهرداریها و شوراهای محلی، استانی و کشوری که بر طبق قوانین و مقررات حق وضع و اخذ عوارض را دارند مجاز نیستند از کالاها و خدماتی که صادر می شوند عوارض اخذ نمایند یا مجوز اخذ آن را صادر کنند.

ارزیابی موانع غیر تعرفه‌ای در ایران

برای اینکه بدانیم آیا موانع غیر تعرفه‌ای وضع شده محدود کننده یا مشوق بازرگانی خارجی است جهت اثر آنها را از لحاظ کاهش‌دهی یا افزایش‌دهی صادرات و واردات از بُعد نظری بررسی می‌کنیم.

موانع غیر تعرفه‌ای زیر را برای واردات در نظر می‌گیریم.

- ۱- غیرمجاز
- ۲- مجاز
- ۳- مشروط
- ۴- واردات ارزی با ارز بازرگانی (دولتی)
- ۵- واردات غیر ارزی (بدون انتقال ارز)
- ۶- واردات در مقابل صادرات مجاز است
- ۷- حق ثبت سفارش
- ۸- الزامات قانونی (بهداشت، استاندارد، ثبت سفارش در وزارت بازرگانی، ثبت سفارش در بانک، تودیع ودیعه واردات و غیره)
- ۹- ممنوعیت بسیار محدود
- ۱۰- کالای مجاز بسیار محدود

- ۱۱- واردات غیر ارزی محدود به موارد خاص (نظیر آنچه در مقررات سال ۱۳۷۲ (۱۳۷۲/۷/۴) وضع شده و فقط واردات بدون انتقال ارز را محدود به موارد خاص نموده - ماده ۳۸ آئیننامه مقررات صادرات و واردات نیمه دوم (۱۳۷۲)
- ۱۲- واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص (همانند واردات از کشورهای آسیای میانه در مقابل صادرات کالا به این کشورها)
- ۱۳- واردات ارزی محدود
- موانع غیر تعرفه‌ای زیر برای صادرات در نظر گرفته می‌شوند:
- ۱- مجاز
 - ۲- عمدتاً مشروط
 - ۳- واردات در مقابل صادرات مجاز است (بدون محدودیت)
 - ۴- مجوزهای خاص (استاندارد، بهداشت، ...)
 - ۵- واردات در مقابل صادرات بسیار محدود یا منتفی است (همانند کشورهای آسیای میانه)
 - ۶- تخفیف در پیمان ارزی (مواردی که تخفیف پیمان از ۱۰٪ تا ۳۰٪ یا بیشتر معمول بوده است)
 - ۷- پیمان ارزی
 - ۸- قیمت گذاری الزامی است (قبل از صدور کالا توسط کمیسیون نرخ گذاری تعیین قیمت می‌شود)
 - ۹- پیمان ارزی تقریباً صوری است (در مواردی که علیرغم اخذ تعهد یا پیمان، به لحاظ عدم

ضرورت احراز اعتبار صادراتی بصورت جدی برقرار نبوده ولی در هر حال صدور مجوز یا

ادامه صادرات، صادر کننده را موقوف به ایفای تعهدات ارزی وی می‌نماید)

۱۰- پیمان ارزی صوری است (پیمان اخذ شده ولی بدون اینکه پشتوانه‌ای برای اطمینان از ایفای

تعهد اخذ شود)

۱۱- مشروط

۱۲- غیر مجاز

جدول (۱) خلاصه جهت اثر موانع غیر تعرفه‌ای وارداتی را بر واردات و جدول (۲) همان را

برای صادرات نشان می‌دهد.

جدول ۱- جهت اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر واردات

جهت اثر بر واردات	موانع غیر تعرفه‌ای واردات
کاهنده (-)	۱. غیرمجاز
افزاینده (+)	۲. مجاز
کاهنده (-)	۳. مشروط
افزاینده (+)	۴. واردات ارزی با ارز بازرگانی (دولتی)
افزاینده (+)	۵. واردات غیرارزی (بدون انتقال ارز)
کاهنده (-)	۶. واردات در مقابل صادرات مجاز است
کاهنده (-)	۷. حق ثبت سفارش
کاهنده (-)	۸. الزامات قانونی
افزاینده (+)	۹. ممنوعیت بسیار محدود
کاهنده (-)	۱۰. کالای مجاز بسیار محدود
کاهنده (-)	۱۱. واردات غیر ارزی محدود به موارد خاص
افزاینده (+)	۱۲. واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص
کاهنده (-)	۱۳. واردات ارزی محدود

جدول ۲- جهت اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر صادرات

جهت اثر بر صادرات	مانع غیرتعرفه‌ای صادرات
افزاینده (+)	۱. مجاز
کاهنده (-)	۲. عمدتاً مشروط
کاهنده (-)	۳. واردات در مقابل صادرات مجاز است
کاهنده (-)	۴. مجوزهای خاص
افزاینده (+)	۵. واردات در مقابل صادرات بسیار محدود یا منتفی است
افزاینده (+)	۶. تخفیف در پیمان ارزی
کاهنده (-)	۷. پیمان ارزی
کاهنده (-)	۸. قیمت گذاری الزامی است
افزاینده (+)	۹. پیمان ارزی تقریباً صوری است
افزاینده (+)	۱۰. پیمان ارزی صوری است
کاهنده (-)	۱۱. مشروط
کاهنده (-)	۱۲. غیر مجاز

حال با توجه به اینکه وضع و یا رفع موانع مختلف غیر تعرفه‌ای آثار مختلفی در جهت افزایش یا کاهش میزان صادرات یا واردات کالا دارد، به این بررسی خواهیم پرداخت که آیا وضع و یا رفع موانع غیر تعرفه‌ای یا افزایش نرخ تعرفه اثرات هماهنگی با یکدیگر در یک بخش دارند یا خیر. به عبارتی دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا تشویق صادرات یا تحدید واردات در بخش صنعت با وضع یا رفع موانع غیر تعرفه‌ای مختلف همسو بوده است یا خیر. بیان آماری این مسئله بدین شکل است که همبستگی موانع با سیاستهای مختلف را با یکدیگر ارزیابی نماییم. اگر ضریب همبستگی بدست آمده و مقدار ضریب همسو با جداول (نظری ۳ و ۴) زیر بود می‌دانیم که عملکرد سیاستگذاری همسو و همجهت بوده و سیاستهای دولت در بخش مربوطه در ارتباط با تحدید یا تشویق صادرات یا واردات کالا منسجم عمل کرده است.

از لحاظ نظری علائم همبستگی متقاطع (ضربدری) موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه در بخشهای واردات و صادرات در جداول ۳ و ۴ آورده شده است. این جداول حاصل ضرب بردارهای علامت جداول ۱ و ۲ در ترانسپوز خودش می‌باشد و عنصر زائام آن جهت اثر موانع غیر تعرفه‌ای را با مانع ز نشان می‌دهد.

جدول ۴- علامت ضریب همبستگی نظری سیاستهای مختلف غیر تعرفه‌ای در صادرات

صادرات حقیقی	نرخ تعرفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	موانع غیر تعرفه‌ای
+	-	۱	-	-	-	+	+	-	-	+	+	-	-	
-	+		۱	+	+	-	-	+	+	-	-	+	+	
-	+			۱	+	-	-	+	+	-	-	+	+	
-	+				۱	-	-	+	+	-	-	+	+	
+	-					۱	+	-	-	+	+	-	-	
+	-						۱	-	-	+	+	-	-	
-	+							۱	+	-	-	+	+	
+	-								۱	-	-	+	+	
+	-									۱	+	-	-	
+	-										۱	-	-	
-	+											۱	+	
-	+												۱	
-	۱													نرخ تعرفه
۱														صادرات حقیقی

برای پیدا کردن همبستگی موانع مختلف غیر تعرفه‌ای و تعرفه در واردات و صادرات صنعتی،

موانع سیزده گانه واردات و دوازده گانه صادرات مندرج در جداول ۱ و ۲ را برای یک دوره ۳۶ ساله

برای دو بخش صادرات و واردات بطور مجزا در هریک از زیر بخشهای نهگانه صنعت (در ذیل)

بصورت متغیرهای دودویی صفر و یک مورد تعریف می‌کنیم. هرگاه یک مانع از موانع فوق در سال مورد نظر برای زیربخش صنعتی مربوطه وجود داشته باشد مقدار (مشاهده) متغیر مرتبط با مانع مزبور در آن سال را برای زیربخش صنعتی مربوطه یک و در غیر این صورت مقدار این متغیر برای آن سال صفر در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب برای هر مانع غیر تعرفه‌ای در صادرات یا واردات ۹ سری زمانی برای هر زیربخش صنعتی براساس طبقه بندی ISIC برای سالهای ۱۳۷۴-۱۳۳۸ تعریف می‌گردد. زیربخشهای صنعت از قرار ذیل هستند:

۱. نساجی، پوشاک و چرم
۲. تولید فلزات اساسی
۳. محصولات کانی و غیر فلزی
۴. شیمیایی، زغالسنگ، لاستیک و پلاستیک
۵. غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
۶. چوب و محصولات چوبی
۷. ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
۸. سایر صنایع تولید
۹. کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی

تعریف ریاضی متغیرها از قرار ذیل می‌باشد:

برای واردات تعریف می کنیم:

$$IM_{jN_k} = \{1, 0 \mid j=1, \dots, 9 \mid k=1, \dots, 13\}$$

اگر مانع غیر تعرفه‌ای k ام در زیربخش صنعتی j ام اتفاق افتاده $IM_{jN_k}=1$ و در غیر این

صورت $IM_{jN_k}=0$ خواهد بود. برای صادرات تعریف می کنیم:

$$EX_{jN_k} = \{1, 0 \mid j=1, \dots, 9 \mid k=1, \dots, 12\}$$

اگر مانع غیر تعرفه‌ای k ام در زیربخش صنعتی j ام اتفاق افتاده $EX_{jN_k}=1$ و در غیر این

صورت $EX_{jN_k}=0$ خواهد بود. با برداری کردن (vectorization) داده‌ها بر بخشهای صنعتی

متغیرهای زیر تعریف می شوند:

$$IMN_k = \{IM_1N_k, \dots, IM_9N_k\}$$

$$EXN_k = \{EX_1N_k, \dots, EX_9N_k\}$$

حال ماتریس‌های همبستگی زیر را محاسبه می کنیم:

$$\text{Corr}(IMN_i, IMN_j), i, j=1, \dots, 13$$

$$\text{Corr}(EXN_i, EXN_j), i, j=1, \dots, 12$$

سلولهای این دو ماتریس در جداول ۵ و ۶ برای واردات و صادرات محاسبه و درج شده‌اند.

به علت ایجاد اشکال محاسباتی ناشی از عدم تغییر برخی موانع غیر تعرفه‌ای (بالاخص در بخش

صادرات) طی دوره فوق، موانعی که در دوره مورد نظر تغییر نداشتند از محاسبات حذف شدند. از

لحاظ نظری برخی از موانع غیر تعرفه‌ای که از محاسبات حذف می‌شوند اثرات مختلفی را بر صادرات یا واردات دارند ولی چون در طول دوره مورد نظر همچنان ثابت بوده‌اند نمی‌توان اثر آنها را لااقل در دوره مورد بررسی و با شیوه فعلی بررسی ارزیابی نمود.

با توجه به اینکه اندازه‌گیری اثر کمی موانع غیر تعرفه‌ای ساده نیست، لذا روش ارزیابی را به این شکل ساده نمودیم تا نیازمند وزن برای موانع غیر تعرفه‌ای مختلف نباشد.

جدول ۵، جدول ۳ را از لحاظ عملکرد اجرائی موانع غیر تعرفه‌ای با استفاده از آمارهای جمع آوری شده برای واردات زیربخشهای نهگانه صنعت ارزیابی می‌نماید. علی‌القاعده برای اینکه سیاستهای بکار گرفته شده موانع غیر تعرفه‌ای در واردات همسو باشند می‌بایست از لحاظ انتظار همسویی سیاستهای وارداتی دولت مندرج در جدول ۵ با جدول ۳ از لحاظ علامت همسو و رقم همبستگی گزارش شده در جدول ۵ از میزان قابل قبول و نزدیک به یک برخوردار باشد. همین مقایسه را می‌توان در مورد صادرات زیر بخشهای صنعتی از مقایسه جدول ۶ با جدول ۴ انجام داد. بررسی جدول همبستگی سیاستهای غیر تعرفه‌ای واردات صنعتی حاکی از این است که در طی دوره مورد بررسی اکثر موانع غیر تعرفه‌ای وضع یا رفع شده چندان با هم مرتبط نبوده و در بسیاری از حالتها حتی هم جهت نیز نمی‌باشند. به عبارت دیگر بررسی جداول ۵ و ۶ حاکی از عدم انسجام سیاستهای وضع یا رفع موانع غیر تعرفه‌ای بر واردات و صادرات صنعتی می‌باشد. تفسیر جداول به این صورت است که در درجه اول رقم سطر و ستون مربوط به هر دو مانع غیر تعرفه‌ای را انتخاب نموده و عدد سلول مربوطه را بررسی می‌نماییم. این رقم چنانچه نزدیک به یک از لحاظ قدر مطلق باشد نشان

جدول ۶- همبستگی موانع غیر تعرفه‌ای در رابطه با صادرات کل صنعت

موانع غیر تعرفه‌ای	1	2	3	5	6	7	9	10	11	12
1	1.00	-1.00	-0.11	0.11	-0.31	-0.12	-0.14	0.15	0.28	0.14
2		1.00	0.11	-0.11	0.31	0.12	0.14	-0.15	-0.28	-0.14
3			1.00	-1.00	0.08	-0.07	0.03	0.04	-0.38	0.04
5				1.00	-0.08	0.07	-0.03	-0.04	0.38	-0.04
6					1.00	0.19	-0.09	-0.11	0.23	-0.10
7						1.00	-0.49	-0.58	-0.35	0.09
9							1.00	-0.05	0.12	-0.05
10								1.00	-0.10	-0.05
11									1.00	0.10
12										1.00

بر اساس جدول ۵، موانع مختلف غیر تعرفه‌ای در واردات چندان هماهنگی با دیگر موانع غیر تعرفه‌ای نداشته و در اکثر اوقات با ضریب همبستگی نظری مندرج در جدول ۳ نیز مطابقت نمی‌کنند. پائین بودن اکثر ضرایب همبستگی، دلالت بر عدم هماهنگی سیاستهای غیر تعرفه‌ای در بخش صنعت می‌باشد. در اکثر اوقات زمانی ضرایب همبستگی بالا می‌باشند که دو مانع از لحاظ تعریفی نقیض یکدیگرند. برای مثال موانع یک (غیر مجاز بودن واردات) و نه (ممنوعیتها بسیار محدود) هر دو از لحاظ تعریف در خلاف جهت هم قرار دارند و ضریب همبستگی آنان به شدت بالا بوده و علامت آن نیز منفی می‌باشد که با جدول ۳ تطبیق دارد. یا به عنوان مثال دیگر از ضریب همبستگی موانع ۵ و ۶ در مورد واردات ارزی و غیر ارزی می‌توان نام برد.

باقی ضرایب همبستگی پایین‌تر از حدی است که دلالت بر همبستگی قواعد و مقررات

غیر تعرفه‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر اکثراً هم، جهت همبستگیها مغایر با جدول ۳ است و هم شدت همبستگیها بسیار پایین بوده و نشان دهنده عدم همخوانی و همسویی قوی سیاستهای موانع غیر تعرفه‌ای می‌باشد.

مشابه جدول ۵ جدول ۶ برای صادرات آورده شده است. این جدول نیز همانند جدول ۵ مبین عدم همخوانی و همسویی موانع غیر تعرفه‌ای در بخش صادرات برای صنعت می‌باشد. مشابه این جداول به تفصیل برای زیر بخشهای نه گانه صنعت در گزارش تفصیلی مذکور در قبل آورده شده است. نتایج ریز همه جداول حاکی از نتیجه گیری یکسان می‌باشد.

با توجه به ناهمسو بودن موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران در بخش صنعت می‌توان گفت که برداشتن این موانع همگی به کارایی بازرگانی خارجی ایران خواهد افزود زیرا همسو نبودن این موانع به معنی داشتن اثرات مثبت و منفی و بر خلاف جهت یکدیگر در اجرای یک نوع سیاست مثلاً تحدید واردات با تشویق صادرات می‌باشند. لذا با توجه به موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مبنی بر لزوم تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ها به نظر نمی‌رسد اشکالات چندانی در جهت حذف موانع غیر تعرفه‌ای بوقوع بپیوندد تا چه برسد به تبدیل آنها به تعرفه‌ها.

موانع غیر تعرفه‌ای در کانی‌های غیر فلزی

بررسی‌های فوق را در مورد بخش کانی‌های غیر فلزی ادامه می‌دهیم. جداول زیر موانع عمده واردات و صادرات را در بخش بازرگانی کانی‌های غیر فلزی نشان می‌دهند.

موانع عمده غیر تعرفه‌ای واردات در بخش کانی‌های غیر فلزی شامل موارد واردات با ارزش بازرگانی، واردات بدون انتقال ارزش، واردات در مقابل صادرات، عوارض ثبت سفارش واردات، واردات ارزی محدود، واردات (بدون انتقال ارزش) محدود به موارد خاص، واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص، واردات مجاز، واردات غیر مجاز، واردات مشروط، ممنوعیتها بسیار محدود می‌شود.

موانع عمده غیر تعرفه‌ای در صادرات سیمان و سایر کانی‌های غیر فلزی شامل صادرات مجاز، صادرات غیر مجاز، واردات در مقابل صادرات، مجوزهای خاص حسب مورد، صادرات مشروط، صادرات عمدتاً مشروط، پیمان ارزی، پیمان ارزی صوری است، پیمان ارزی تقریباً صوری، قیمت گذاری الزامی، تخفیف در پیمان ارزی می‌باشد.^۱

^۱ برای شرح بیشتر در مورد موانع غیر تعرفه‌ای گمرکی به منابع زیر مراجعه شود:
بنایی، رضا (۱۳۸۱) آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

موانع عمده غیر تعرفه‌ای در واردات سیمان و سایر کانی‌های غیرفلزی

ممنوعیتها بسیار محدود	واردات مشروط	واردات غیر مجاز	واردات مجاز	واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص	واردات (بدون انتقال ارز) محدود به موارد خاص	واردات ارزی محدود	عوارض ثبت سفارش واردات	واردات در مقابل صادرات	واردات بدون انتقال ارز	واردات با ارز بازرگانی	
			*				*	*	*	*	۱۳۳۸
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۳۹
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۰
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۱
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۲
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۳
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۴
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۵
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۶
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۷
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۸
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۴۹
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۰
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۱
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۲

ممنوعیتها بسیار محدود	واردات مشروط	واردات غیر مجاز	واردات مجاز	واردات در مقابل صادرات محود به موارد خاص	واردات (بدون انتقال ارز) محدود به موارد خاص	واردات ارزی محدود	عوارض ثبت سفارش واردات	واردات در مقابل صادرات	واردات بدون انتقال ارز	واردات با ارز بازرگانی	
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۳
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۴
	*	*	*				*	*	*	*	۱۳۵۵
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۵۶
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۵۷
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۵۸
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۵۹
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۶۰
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۱
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۲
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۳
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۴
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۵
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۶
	*	*					*	*	*	*	۱۳۶۷
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۶۸

ممنوعیتهای بسیار محدود	واردات مشروط	واردات غیر مجاز	واردات مجاز	واردات در مقابل صادرات محود به موارد خاص	واردات (بدون انتقال ارز) محدود به موارد خاص	واردات ارزی محدود	عوارض ثبت سفارش واردات	واردات در مقابل صادرات	واردات بدون انتقال ارز	واردات با ارز بازرگانی	
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۶۹
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۷۰
*	*		*				*	*	*	*	۱۳۷۱
*	*		*		*	*	*				۱۳۷۲
*	*		*		*	*	*		*		۱۳۷۳
*	*		*	*	*	*	*		*		۱۳۷۴
			*				*		*		۱۳۷۵
			*				*		*		۱۳۷۶
			*				*		*		۱۳۷۷
			*				*		*		۱۳۷۸
			*				*		*		۱۳۷۹
*			*				*		*	*	۱۳۸۰
*			*				*		*	*	۱۳۸۱
*			*				*		*	*	۱۳۸۲
*			*				*		*	*	۱۳۸۳

موانع عمده غیر تعرفه‌ای در صادرات سیمان و سایر کانی‌های غیر فلزی

تخفیف در پیمان ارزی	قیمت گذاری الزامی	پیمان ارزی تقریباً صوری	پیمان ارزی صوری است	پیمان ارزی	صادرات عمدتاً مشروط	صادرات مشروط	مجوزهای خاص حسب مورد	واردات در مقابل صادرات	صادرات غیر مجاز	صادرات مجاز	
	*			*			*	*	*	*	۱۳۳۸
	*			*			*	*	*	*	۱۳۳۹
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۰
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۱
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۲
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۳
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۴
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۵
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۶
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۷
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۸
	*			*			*	*	*	*	۱۳۴۹
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۰
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۱
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۲
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۳
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۴
	*			*			*	*	*	*	۱۳۵۵

تخفیف در پیمان ارزی	قیمت گذاری الزامی	پیمان ارزی تقریباً صوری	پیمان ارزی صوری است	پیمان ارزی	صادرات عمدتاً مشروط	صادرات مشروط	مجوزهای خاص حسب مورد	واردات در مقابل صادرات	صادرات غیرمجاز	صادرات مجاز	
	*		*				*	*		*	۱۳۵۶
	*		*				*	*		*	۱۳۵۷
	*			*	*		*	*			۱۳۵۸
	*			*	*		*	*			۱۳۵۹
	*			*	*		*	*			۱۳۶۰
	*			*	*		*	*			۱۳۶۱
	*			*	*		*	*			۱۳۶۲
	*			*	*		*	*			۱۳۶۳
*	*			*		*	*	*		*	۱۳۶۴
*	*			*		*	*	*		*	۱۳۶۵
*	*			*		*	*	*		*	۱۳۶۶
*	*			*		*	*	*		*	۱۳۶۷
*	*			*	*		*	*			۱۳۶۸
*	*			*	*		*	*			۱۳۶۹
*	*			*	*		*	*			۱۳۷۰
*	*			*		*	*	*		*	۱۳۷۱
	*	*				*	*	*		*	۱۳۷۲
	*	*				*	*	*		*	۱۳۷۳
	*			*		*	*			*	۱۳۷۴

تخفیف در پیمان ارزی	قیمت گذاری الزامی	پیمان ارزی تقریباً صوری	پیمان ارزی صوری است	پیمان ارزی	صادرات عمدتاً مشروط	صادرات مشروط	مجوزهای خاص حسب مورد	واردات در مقابل صادرات	صادرات غیرمجاز	صادرات مجاز	
	*			*			*			*	۱۳۷۵
	*			*			*			*	۱۳۷۶
	*			*			*			*	۱۳۷۷
	*			*			*			*	۱۳۷۸
	*			*			*			*	۱۳۷۹
	*			*			*			*	۱۳۸۰
	*			*			*			*	۱۳۸۱
	*			*			*			*	۱۳۸۲
	*			*			*			*	۱۳۸۳

همانند محاسبات کلی برای بخش صنعت در قسمت گذشته در اینجا ضرائب همبستگی را

برای واردات و صادرات بخش کانی‌های غیرفلزی محاسبه می‌کنیم. جداول زیر مشابه جداول

همبستگی قبلی ارتباط و همبستگی موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه را با میزان واردات و صادرات حقیقی

کالا و خدمات نشان می‌دهند.

با دقت در ارقام جدول به وضوح می‌توان نتیجه گرفت که حذف موانع غیر تعرفه‌ای به دلیل ناسازگاری و ناهم جهت بودن آنها تأثیر چندانی بر تجارت خارجی کانی‌های غیر فلزی نخواهد داشت. موانع غیر تعرفه‌ای در این بخش و کل بخش صنعت تعمیم این نتیجه‌گیری نیز را ساده می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان به این نتیجه کلی را هم مد نظر قرار داد که حذف موانع غیر تعرفه‌ای در ابتدا نه تنها اشکالی در تحدید واردات یا تشویق صادرات به عمل نمی‌آورد بلکه با رفع موانع ایجاد شده کارایی نظام تجارت خارجی ایران را بهبود نیز خواهد بخشید. حال چنانچه با روشهای تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای اقدام به برقراری تعرفه بنمائیم قدمی در جهت اعمال نظرات مستقیم سیاستگذار در رسیدن به اهداف تجاری یا حمایتی برداشته شده است. بدین ترتیب گرچه اخیراً اقداماتی در جهت رفع و حذف موانع غیر تعرفه‌ای برداشته شده تا سازگاری مناسب برای تطبیق با موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت ایجاد شود ولی می‌توان با تاکید این بررسی صحت ادامه این سیاست یعنی حذف تقریباً تمامی موانع غیر تعرفه‌ای اقدام نمود.

تعرفه

تعرفه‌ها در میان کشورهای خلیج فارس اساساً متفاوت است. کویت و امارت عربی متحده دارای پایین‌ترین نرخ متوسط تعرفه در سطح ۳/۵ درصد و عربستان سعودی دارای بالاترین متوسط، نرخ تعرفه در میان کشورهای عربی است. در امارات عربی متحد، اکثر کالاها دارای نرخ تعرفه‌ای معادل ۴ درصد می‌باشند. در حالیکه ۷۵٪ واردات معاف از عوارض گمرکی است (نظیر مواد غذایی، مواد خوراکی و واردات دولتی). در عربستان سعودی متوسط نرخ تعرفه معادل ۱۲/۵ درصد است و واردات کالاهای اساسی نظیر دارو و مواد خوراکی معاف از عوارض گمرکی است و بسیاری از کالاهایی که در داخل تولید می‌شوند مشمول تعرفه‌هایی معادل ۲۰ درصد می‌باشند. در قطر متوسط نرخ تعرفه ۴ درصد است اما نرخ تعرفه‌های ۲۰ الی ۳۰ درصد برای کالاهایی که در داخل تولید می‌شوند نظیر سیمان و فولاد وضع می‌شود. در بحرین تعرفه‌های از سطح ۵ درصد برای مواد خوراکی و کالاهای اساسی شروع می‌شود و نرخهای بالاتر بر کالاهایی نظیر سیگار وضع می‌شود.

نرخ‌های تعرفه در برخی کشورهای جهان

٪۶/۵	ژاپن در سال (۲۰۰۰)
٪۶/۴	اتحادیه اروپا (۲۰۰۲)
٪۱۶/۱	کالاهای صنعتی کالاهای کشاورزی
٪۸/۱	نروژ (۲۰۰۰)
٪۷/۱	کانادا (۲۰۰۰)
٪۱۳/۷	برزیل (۲۰۰۰)
٪۱۶/۵	مکزیک (۲۰۰۲)
٪۱۱	شیلی (۱۹۹۷)
٪۱۰/۱	السالوادور (۱۹۹۶)
٪۱۶/۴	قبرس (۱۹۹۷)
٪۷/۲	در مجموع با اتحادیه اروپا کشاورزی
٪۳۷/۶	
٪۲۳/۵	مراکش (۱۹۹۶)
٪۷/۷	بحرین (۲۰۰۰)
٪۱۴	مالوی (۲۰۰۲)
٪۳۲	هندوستان (۲۰۰۲)
٪۲۰/۴	پاکستان (۲۰۰۲)
٪۱۳/۶	زامبیا (۱۹۹۶)
٪۹/۲	مالزی (۲۰۰۱)

Source: <http://www.International.econ.com/v1.0/ch20/20/colo.html>.

جدول فوق نشانگر متوسط نرخ تعرفه در برخی کشورهای جهان است. بطور کلی متوسط نرخ‌های تعرفه کمتر از ۲۰٪ در اغلب کشورها است، اگرچه متوسط نرخ‌ها برای کالاهای کشاورزی بالاتر است و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، نرخ‌های متوسط تعرفه کمتر از ۱۰٪ و در بسیاری واردات کمتر از ۵٪ است. در مجموع کشورهای در حال توسعه نرخ‌های تعرفه‌ای بالاتری را برای حمایت از صنایع داخلی وضع می‌کنند. اما اخیراً این نرخ‌ها برای کشورهایی که به سازمان تجارت جهانی ملحق شده و یا در صدد ورود به این سازمان می‌باشند کاهش یافته است. در واقع کشورها قبل از ورود به این سازمان باید اقدامات گسترده‌ای را در جهت کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به عمل آورند.

سازمان تجارت جهانی و نرخ‌های تعرفه

نتیجه مذاکرات دور اروگوئه ۲۲۵۰۰ صفحه تعهدات کشورها در خصوص کالاها و خدمات خاص است. یکی از این موارد تعهد کاهش نرخ‌های تعرفه بر کالاهای وارداتی است. در برخی موارد حتی نرخ تعرفه به صفر کاهش پیدا کرده است. کاهش نرخ‌های تعرفه در مورد کشورهای توسعه یافته در ظرف ۵ سال از اول ژانویه ۱۹۹۵ برنامه‌ریزی شد. نتیجه این توافق ۴۰٪ کاهش نرخ‌های تعرفه بر محصولات صنعتی از متوسط ۶/۳٪ به ۳/۸٪ بود. به علاوه ارزش کالاهای وارداتی صنعتی که معاف از نرخ‌های تعرفه خواهند بود در کشورهای توسعه یافته از ۲۰٪ کل واردات به ۴۴٪ افزایش خواهند یافت. همچنین تعداد کالاهایی که نرخ‌های تعرفه بالا بر آنها وضع می‌گردد، کاهش خواهد یافت. سهم وارداتی که مشمول نرخ‌های تعرفه بالاتر از ۱۵٪ هستند از ۷٪ به ۵٪ کاهش خواهد یافت. سهم صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته که از تعرفه‌های بالای ۱۵٪ برخوردارند از ۹٪ به ۵٪ کاهش خواهد یافت.

در ۲۶ مارس ۱۹۹۷، ۴۰ کشوری که ۹۲٪ تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند توافق کردند که عوارض وارداتی و گمرکی بر محصولات تکنولوژی اطلاعات^۱ را تا سال ۲۰۰۰ حذف کنند. براساس این توافق هر کشور عضو تعهدات خود را به طور یکسان در مقابل صادرات سایر اعضا اجرا خواهد کرد، حتی در خصوص کشورهایی که چنین تعهدی را نپذیرفته‌اند. کشورهای

^۱ - Information Technology Products

توسعه یافته لیست اقلام وارداتی را که افزایش تعرفه‌های آنها مشکل است از ۷۸٪ اقلام وارداتی به ۹۹٪ افزایش دادند. این رقم برای کشورهای در حال توسعه بسیار قابل ملاحظه بود و از ۲۱٪ به ۷۳٪ افزایش یافت. در کشورهای در حال انتقال نیز نسبت اقلامی که افزایش تعرفه آنها بسیار مشکل است از ۷۳٪ به ۹۸٪ افزایش یافت و این به معنی درجه اطمینان بالاتر بازار برای تجار و سرمایه‌گذاران است.

تعرفه‌ها بر روی تمامی محصولات کشاورزی محدود شده است و افزایش آنها بسیار مشکل است. تقریباً تمامی محدودیت‌های وارداتی که شکل موانع غیرتعرفه‌ای داشتند نظیر سهمیه‌ها به فرآیندی که به نام تعرفه‌سازی^۱ مشهور است به تعرفه تبدیل شده‌اند. قبل از این فرآیند حدود ۳۰٪ محصولات کشاورزی مشمول سهمیه و محدودیت‌های وارداتی بود که با پروسه تعرفه‌سازی این محدودیت‌ها با تعرفه‌ها جایگزین شدند. سپس در خلال سالهای (۲۰۰۰-۱۹۹۵) این تعرفه‌ها به تدریج کاهش یافتند. کاهش تعرفه‌ها برای کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۵ خاتمه می‌یابد. تعهد دسترسی به بازار برای محصولات کشاورزی محدودیت‌های قبلی واردات را حذف می‌کند. به علاوه کشورها متعهد شده‌اند که حمایت‌های داخلی و سوبسیدهای صادراتی برای محصولات کشاورزی را کاهش دهند.

^۱ - Tariffication

تعرفه در ایران

در ایران تعرفه بر اساس مقررات صادرات و واردات کلیه کالاهای وارداتی به ۲۱ قسمت و ۹۷ فصل تقسیم می‌شوند. جدول زیر مینیموم و ماکزیمم و متوسط نرخ تعرفه را برای ۲۱ قسمت مختلف ارائه می‌کند.^۱ همانگونه که در این جدول ملاحظه می‌شود پایین ترین نرخ تعرفه مربوط به صنایع شیمیایی است. صنعت کانی غیرفلزی در ردیف پنجم متوسط نرخ تعرفه‌ای معادل ۳۵/۷ درصد را تجربه نموده است. در حقیقت صنعت سیمان در ایران در مقایسه با صنایعی نظیر مواد غذایی و منسوجات کمتر مورد حمایت قرار گرفته اما در مقایسه با بخشهایی نظیر صنایع شیمیایی با متوسط نرخ تعرفه ۱۸/۹ درصد مورد حمایت می‌باشد.

متوسط نرخ تعرفه واردات گروه‌های مختلف کالا در ایران (سال ۱۳۷۸)

اقلام	تعداد تعرفه	مینیمم تعرفه	ماکزیمم نرخ تعرفه	متوسط نرخ تعرفه
۱ حیوانات زنده و محصولات حیوانی	۲۰۱	۰	۱۸۰	۶۲/۳
۲ محصولات نباتی، غلات و میوه‌های خوراکی	۲۷۱	۰	۲۰۰	۸۵/۹
۳ چربیها و روغنهای حیوانی یا نباتی	۴۶	۰	۱۷۵	۵۵
۴ محصول صنایع غذایی	۱۸۶	۰	۲۰۰	۱۰۳/۷

(۱) رازینی، اراهیم علی: روشهای منطقی کردن تعرفه‌های در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی چاپ اول، آبان ۱۳۷۸ صفحات ۱۶۱-۱۵۵.

متوسط نرخ تعرفه	ماکزیمم نرخ تعرفه	مینیمم نرخ تعرفه	تعداد تعرفه	اقلام	
۲۲/۶	۱۱۰	۵	۱۴۸	محصولات معدنی، نمک، گوگرد، گچ، آهک، سیمان	۵
۱۸/۸	۲۱۰	۰	۷۸۶	محصولات صنایع شیمیایی	۶
۳۸/۵	۲۱۵	۵	۱۹۸	مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده، کائوچو	۷
۱۲۷/۱	۲۱۵	۵	۷۴	پوست، چرم، پوستهای نرم	۸
۷۱/۶	۲۱۵	۵	۸۱	چوب و اشیاء چوبی، ذغال چوب، چوب پنبه	۹
۳۷/۹	۱۳۵	۵	۱۴۸	خمیر چوب و سایر مواد الیاف سلولزی	۱۰
۱۰۹	۲۷۰	۱۰	۸۲۴	مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	۱۱
۲۰۴/۷	۲۲۰	۱۲۰	۵۵	کفش، کلاه، چتر، بارانی، چتر آفتابی، عصا و...	۱۲
۷۸/۳	۲۲۰	۵	۱۴۷	مصنوعات از سنگ گچ، سیمان، پنبه نسوز، میکا و ...	۱۳
۳۹	۲۷۰	۵	۵۲	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگها و فلزات گرانبها و زیورآلات بدلی	۱۴
۴۳/۷	۳۲۵	۵	۵۷۱	فلزات معمولی و مصنوعات آنها	۱۵
۴۱/۵	۱۸۰	۰	۸۰۴	ماشین آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی	۱۶
	۱۹۰	۰	۱۳۲	وسایل نقیه زمینی، هوایی، آبی و تجهیزات ترابری	۱۷

متوسط نرخ تعرفه	ماکریم نرخ تعرفه	مینیمم نرخ تعرفه	تعداد تعرفه	اقلام
۳۵/۶	۱۴۵	۵	۲۳۸	آلات و دستگاههای اپتیک عکاسی، طبی، جراحی، موسیقی
۸۰	۸۰	۸۰	۱۷	اسلحه و مهمات، اجزاء و قطعات متفرقه آنها
۱۳۰/۶	۲۱۵	۱۵	۱۳۰	کالاهای گوناگون شامل اسباب بازی و لوازم ورزشی
۵	۵	۵	۷	اشیاء هنری، کلکسیون و عتیقه

رازینی، اراهیم علی: روشهای منطقی کردن تعرفه‌های در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی چاپ اول، آبان ۱۳۷۸ صفحات ۱۶۱-۱۵۶.

جدول بعدی متوسط نرخهای تعرفه در ایران را در مقایسه با سایر کشورها نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود ایران درجات حمایت تعرفه‌ای بالاتری را اعمال نموده است. به عنوان مثال متوسط نرخ تعرفه در بخش صنعتی در ترکیه، سنگاپور و فیلیپین بالغ بر ۵/۷، ۲/۷ و ۹/۱ درصد می‌باشد. حتی در مقایسه با تایلند ۴۳/۷ و هندوستان با متوسط نرخ تعرفه ۲۹/۵ درصد، ایران شاهد متوسط نرخهای تعرفه بالاتر بالاخص در بخش صنایع خوراکی و منسوجات بوده است. در واقع شدت سیاستهای حمایتی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه منجر به قاچاق کالاها گردیده است که این به معنی این است که متوسط نرخ تعرفه عملی پایین تر از مقادیر گزارش داده

شده رسمی است.

مقایسه نرخهای تعرفه بخش های صنعتی در کشورهای منتخب در سال ۱۹۹۹

کشور	درصد واردات با تعرفه های محدود کننده	متوسط نرخ تعرفه جاری	نرخ تعرفه محدود کننده توسط WTO
فیلیپین	۶۷/۴	۹/۱	۲۱/۳
اندونزی	۹۲/۳	۱۴/۹	۳۶/۹
مالزی	۷۹/۳	۹/۴	۸/۹
سنگاپور	۹۶/۵	۲/۷	۶/۹
تایلند	۶۷/۴	۴۳/۷	۲۷/۳

۲۷/۷	۱۸/۳	۱۰۰	برزیل
۲۴/۹	۱۰/۹	۱۰۰	شیلی
۳۴/۲	۲۹/۵	۶۹/۳	هندوستان
۱۷/۹	۱۹/۸	۹/۲	سریلانکا
۱۶/۳	۵/۷	۴۹/۳	ترکیه
۲۳/۶	۲۰/۵	۱۳/۶	زیمبابوه
۱۲/۱	۴/۴	۹۶/۹	استرالیا
۴/۳	۳/۲	۹۹/۸	کانادا
۳/۲	۳/۵	۱۰۰	اتحادیه اروپا
۶/۹	۷/۸	۸۹/۹	کره
۳۳/۳	۱۲	۱۰۰	مکزیک
۳/۵	۲/۷	۱۰۰	ایالات متحده

Source: <http://www.cementdistribution.com/industryinfo/trade.html>

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط ساده تعرفه گمرکی (متوسط ساده مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) ایران برای کلیه قسمت‌های و فصل‌ها در حدود ۶۰/۷ درصد می‌باشد^۱. این متوسط بدون لحاظ نمودن فصل ۷۷ محاسبه گردیده است چراکه فصل ۷۷ برای احتیاجات آتی سیستم هماهنگ شده (HS) در نظر گرفته شده است. در عین حال متوسط وزنی تعرفه گمرکی (متوسط مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی که براساس واردات سال ۱۳۷۶ وزن شده است)

(۱) - رازینی ابراهیم علی، "روشهای منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران"، موسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، سال ۱۳۷۸ صفحه ۱۶۴.

برای کلیه قسمت‌ها و فصول تعرفه حدود ۴۴/۸ درصد می‌باشد.

ملاحظات زیر در مورد تعرفه‌ها قابل توجه می‌باشند:

- کالاهای اساسی که واردکننده عمده آنها دولت می‌باشد معمولاً از تعرفه معاف بوده و یا دارای نرخ تعرفه پایینی می‌باشند. مانند کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و گوشت.
- کالاهای لوکس و رودشان عمدتاً ممنوع بوده و یا دارای نرخ تعرفه بالایی می‌باشند.
- کالاهایی که جنبه صادراتی دارند و در حال حاضر نیز صادر می‌گردند به دو گروه تقسیم می‌شوند برخی نظیر انواع پوشاک، کفش و پوست دارای نرخ تعرفه بالا بوده و برخی دیگر مانند سوخته‌های معدنی، روغن‌های معدنی، محصولات صنایع شیمیایی و محصولات شیمیایی آلی دارای نرخ تعرفه پایین و یا معاف از تعرفه می‌باشند.

تعرفه‌های سیمان

در جدول زیر تعرفه‌های سیمان و برخی کانی‌های غیر فلزی مرتبط با آن آورده شده است. حقوق گمرکی و سود بازرگانی انواع سیمان در این جدول نشان داده شده است. برای محاسبه تعرفه از جدول زیر باید رقم حقوق گمرکی و سود بازرگانی را با هم جمع نموده و بر ۱۰۰ تقسیم نمائیم. عدد بدست آمده را در ارزش کالای وارد شده ضرب نموده رقم تعرفه بدست خواهد آمد. بر این اساس تعرفه‌های سیمان در سال ۱۳۸۳ رقم ۴٪ ارزش واردات سیمان می‌باشد که نرخ بالایی نیست این نرخ در مورد آهک‌های مختلف و گچ تا حدود ۱۵٪ ارزش وارداتی آنها نیز وضع گردیده.

جدول تعرفه وارداتی گروه ۲۵ کد هماهنگ شده HS

۱۳۷۶			۱۳۷۵			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
						سنگ گچ: انیدریت: گچ (شامل سنگ گچ تکلیس شده یا سولفات کلسیم)، حتی رنگ کرده، یا مقادیر کمی مواد تندکننده یا کندکننده به آن افزوده شده باشد.	۲۵ ۲۰
۱۴	-	۵	۱۴	-	۵	سنگ گچ انیدریت	۲۵۲۰ ۱۰ ۰۰
۱۴	۲۵	۵	۱۰۴	۱۰	۵	گچ	۲۵۲۰ ۲۰
						--- بنایی	۲۵۲۰ ۲۰ ۱۰
						--- سایر	۲۵۲۰ ۲۰ ۹۰
۱۴	-	-	۱۰۴	-	-	کاستین (Castines) سنگ آهک یا سنگ سیمان	۲۵۲۱ ۰۰ ۰۰
						آهک زنده آهک آبدیده (آهک مرده) و آهک هیدرولیک، غیر از اکسید و هیدرواکسید کلسیم مشمول شماره ۲۵ ۲۸.	۲۵ ۲۲
۱۴	۲۵	۵	۱۰۴	۱۰	۵	آهک زنده	۲۵۲۲ ۱۰ ۰۰
۱۴	۲۵	۵	۱۰۴	۱۰	۵	آهک آبدیده (آهک مرده)	۲۵۲۲ ۲۰ ۰۰
۱۴	۲۵	۵	۱۰۴	۱۰	۵	آهک هیدرولیک	۲۵۲۲ ۳۰ ۰۰
						سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند)	۲۵ ۲۳

۱۳۷۶			۱۳۷۵			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
						(همچنین سیمانهای پودر نشده معروف به کلینکر. حتی رنگ نشده)	
۱	-	۵	۱	-	۵	سیمان‌های پودر نشده معروف به کلینکر	۲۵۲۳ ۱۰ ۰۰
						سیمان پرتلند	
۱	۱۵	۵	۱	۵	۵	سیمان سفید حتی رنگ شده به طور مصنوعی	۲۵۲۳ ۲۱ ۰۰
۱	-	۵	۱	-	۵	--- سایر	۲۵۲۳ ۲۹ ۰۰
۱	-	۵	۱	-	۵	سیمان آلومینیو	۲۵۲۳ ۳۰ ۰۰
۱	-	۵	۱	-	۵	سایر سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند)	۲۵۲۳ ۹۰
						سیمان کوره بلند	۲۵۲۳ ۹۰ ۱۰
						سیمان پوزولانی	۲۵۲۳ ۹۰ ۲۰
						--- سایر	۲۵۲۳ ۹۰ ۹۰

ماخذ: مقررات صادرات و واردات سالهای مختلف. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۱- ورود کالا موکول به موافقت وزارت بازرگانی

۴- ورود کالا موکول به موافقت وزارت صنایع

جدول تعرفه وارداتی گروه ۲۵ کد هماهنگ شده HS (دنباله)

۱۳۸۱			۱۳۸۰			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
						سنگ گچ: انیدریت: گچ (شامل سنگ گچ تکلیس شده یا سولفات کلسیم)، حتی رنگ کرده، یا مقادیر کمی مواد تند کننده یا کند کننده به آن افزوده شده باشد.	۲۵ ۲۰
۱	۲	۱	۱۰۴	۱۵	۵	سنگ گچ انیدریت	۲۵۲۰ ۱۰ ۰۰
۱	۱۱	۱	۱۰۴	۴۵	۵	گچ	۲۵۲۰ ۲۰
						--- بنایی	۲۵۲۰ ۲۰ ۱۰
						--- سایر	۲۵۲۰ ۲۰ ۹۰
						کاستین (Castines) سنگ آهک یا سنگ سیمان	۲۵۲۱ ۰۰ ۰۰
۱	۲	۱	۱۰۴	۵	-	آهک زنده آهک آبدیده (آهک مرده) و آهک هیدرولیک، غیر از اکسید و هیدرواکسید کلسیم مشمول شماره ۲۵ ۲۸.	۲۵ ۲۲
۱	۱۱	۱	۱۰۴	۴۵	۵	آهک زنده	۲۵۲۲ ۱۰ ۰۰
۱	۱۱	۱	۱۰۴	۴۵	۵	آهک آبدیده (آهک مرده)	۲۵۲۲ ۲۰ ۰۰
۱	۱۱	۱	۱۰۴	۴۵	۵	آهک هیدرولیک	۲۵۲۲ ۳۰ ۰۰
						سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند) (همچنین سیمانهای پودر نشده معروف)	۲۵ ۲۳

۱۳۸۱			۱۳۸۰			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
						به کلینکر. حتی رنگ نشده	
۱	۲	۱	۱	۵	۵	سیمان‌های پودر نشده معروف به کلینکر	۲۵۲۳ ۱۰ ۰۰
						سیمان پرتلند	
۱	۲	۱	۱	۳۵	۵	سیمان سفید حتی رنگ شده به طور مصنوعی	۲۵۲۳ ۲۱ ۰۰
۱	۲	۱	۱	۵	۵	-- سایر	۲۵۲۳ ۲۹ ۰۰
۱	۲	۱	۱	۵	۵	سیمان آلومینیو	۲۵۲۳ ۳۰ ۰۰
۱	۲	۱	۱	۵	۵	سایر سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند)	۲۵۲۳ ۹۰
۱	۲	۱	۱	۵	۵	سیمان کوره بلند	۲۵۲۳ ۹۰ ۱۰
						سیمان پوزولانی	۲۵۲۳ ۹۰ ۲۰
						--- سایر	۲۵۲۳ ۹۰ ۹۰

ماخذ: مقررات صادرات و واردات سالهای مختلف. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۱- ورود کالا موکول به موافقت وزارت بازرگانی

۴- ورود کالا موکول به موافقت وزارت صنایع

جدول تعرفه وارداتی گروه ۲۵ کد هماهنگ شده HS (دنباله)

۱۳۸۱		۱۳۸۰			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
					سنگ گچ: انیدریت: گچ (شامل سنگ گچ تکلیس شده یا سولفات کلسیم)، حتی رنگ کرده، یا مقادیر کمی مواد تندکننده یا کندکننده به آن افزوده شده باشد.	۲۵ ۲۰
-	۴	-	۱	۴	سنگ گچ انیدریت	۲۵۲۰ ۱۰ ۰۰
۱	۴	-	۱۱	۴	گچ	۲۵۲۰ ۲۰
۱۱	۴				---- بنایی	۲۵۲۰ ۲۰ ۱۰
					--- سایر	۲۵۲۰ ۲۰ ۹۰
-	۴	-	۱	۴	کاستین (Castines) سنگ آهک یا سنگ سیمان	۲۵۲۱ ۰۰ ۰۰
					آهک زنده آهک آبدیده (آهک مرده) و آهک هیدرولیک، غیر از اکسید و هیدرواکسید کلسیم مشمول شماره ۲۵.۲۸	۲۵ ۲۲
۱۱	۴	-	۱۱	۴	آهک زنده	۲۵۲۲ ۱۰ ۰۰
۱۱	۴	-	۱۱	۴	آهک آبدیده (آهک مرده)	۲۵۲۲ ۲۰ ۰۰
۱۱	۴	-	۱۱	۴	آهک هیدرولیک	۲۵۲۲ ۳۰ ۰۰
					سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند) (همچنین سیمانهای پودر نشده معروف به کلینکر.	۲۵ ۲۳

۱۳۸۱		۱۳۸۰			نام کالای وارداتی	کد طبقه‌بندی کالا
سود بازرگانی	حقوق گمرکی	شرایط ورود	سود بازرگانی	حقوق گمرکی		
					حتی رنگ نشده	
-	۴	-	۱	۴	سیمان‌های پودر نشده معروف به کلینکر	۲۵۲۳ ۱۰ ۰۰
					سیمان پرتلند	
-	۴	-	۱	۴	سیمان سفید حتی رنگ شده به طور مصنوعی	۲۵۲۳ ۲۱ ۰۰
-	۴	-	۱	۴	--- سایر	۲۵۲۳ ۲۹ ۰۰
			۱	۴	سیمان آلومینیو	۲۵۲۳ ۳۰ ۰۰
-	۴	-	۱	۴	سایر سیمان‌های هیدرولیک (پرتلند)	۲۵۲۳ ۹۰
-	۴				سیمان کوره بلند	۲۵۲۳ ۹۰ ۱۰
-	۴				سیمان پوزولانی	۲۵۲۳ ۹۰ ۲۰
-	۴				---- سایر	۲۵۲۳ ۹۰ ۹۰

ماخذ: مقررات صادرات و واردات سالهای مختلف. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۱- ورود کالا موکول به موافقت وزارت بازرگانی

۴- ورود کالا موکول به موافقت وزارت صنایع

اندازه‌گیری حمایت‌های تعرفه‌ای

یک روش اندازه‌گیری درجه حمایت در اقتصاد متوسط نرخ‌های تعرفه است.^۱ از آنجا که تعرفه‌های بالاتر منجر به کاهش کالاهای وارداتی خارجی می‌شود درجه حمایت بالاتری را بر صنایع کشور وضع می‌کند. تعرفه‌ها مهمترین ابزار سیاست‌های تجاری بودند و بسیاری از دولت‌ها از نرخ‌های تعرفه برای افزایش بودجه خود استفاده می‌کردند. اما از زمانی که آزادسازی تجاری در اوایل قرن بیستم رواج یافت موانع غیرتعرفه‌ای مسلط شدند.

اولین مشکل، مربوط به اندازه‌گیری نرخ متوسط تعرفه است. راه‌های متعددی برای اندازه‌گیری وجود دارد که هر یک می‌تواند منجر به نتیجه متفاوتی شده و لذا ابهاماتی را در خصوص میزان واقعی حمایت ایجاد کند. یک راه محاسبه جمع کردن تمامی نرخ‌ها و تقسیم آن بر تعداد طبقات است. مشکل این روش آن است که اگر کشوری قسمت عمده تجارتش در چند گروه خاص کالا باشد که دارای نرخ‌های تعرفه صفر هستند اما دارای نرخ‌های تعرفه بسیار بالا در گروه‌هایی است که هرگز واردات ندارند نرخ واقعی تعرفه با این روش، اریب محاسبه خواهد شد. چرا که وزنی برای این گروه‌ها در نظر گرفته نشده است. این مشکل در صورتی که متوسط وزنی تعرفه محاسبه شود برطرف خواهد شد (با استفاده از وزن واردات آن گروه در کل واردات).

روش استاندارد برای محاسبه نرخ وزنی تعرفه تقسیم درآمدهای کل تعرفه‌ای بر کل ارزش

¹ <http://internationalecon.com/v1.0/ch20/20c010.html>.

Measuring protectionism: average tariff rates around the world by Steven Suranovic (2003)

واردات است. به عنوان مثال نرخ متوسط تعرفه کانادا ۷/۱٪ اما نرخ متوسط وزنی تعرفه برای این کشور ۰/۹٪ است. در عین حال متوسط نرخ وزنی تعرفه نیز عاری از اشکال نیست. به عنوان مثال فرض کنید که کشوری دارای میزان کمی تجارت است و نرخ‌های تعرفه بسیار بالایی در بسیاری از طبقات کالاها دارد. اگر این کشور دارای تجارت در تعداد اندکی گروه‌های کالاها با نرخ‌های پایین تعرفه باشد در این صورت متوسط نرخ وزنی تعرفه نسبتاً پایین خواهد بود. در حالی که هیچ‌گونه درآمد تعرفه‌ای در طبقاتی که دارای نرخ‌های تعرفه بسیار بالا هستند ایجاد نخواهد شد (چون واردات صورت نمی‌گیرد). در این صورت ممکن است نرخ تعرفه بسیار پایینی برای کشوری که دارای درجه حمایت بسیار بالایی برای تعداد زیادی از کالاهاست محاسبه شود. در این صورت محاسبه نرخ متوسط تعرفه رقم بالاتری را ارائه می‌کند و شاید معیار بهتری جهت اندازه‌گیری میزان حمایت باشد.

بهترین روش برای اندازه‌گیری میزان حمایت استفاده از میانگین تعرفه برحسب واردات مشمول تعرفه است. چرا که این روش تنها طبقاتی را در نظر می‌گیرد که تعرفه در آنها وجود دارد و از طبقاتی که تعرفه در آنها صفر است صرف‌نظر می‌کند. از آنجا که بسیاری از کشورها دارای طبقات کالائی بسیاری با تعرفه‌های صفر هستند این روش برآورد بالاتری را از نرخ متوسط تعرفه ایجاد می‌کند.

مشکل دیگری که در مورد استفاده از متوسط نرخ‌های وزنی تعرفه وجود دارد این است که تعرفه‌ها تنها ابزار کنترل سیاستهای تجاری نیستند که توسط کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند. کشورها جهت کنترل تجارت خارجی خود از وضع سهمیه‌ها، جوازهای وارداتی، محدودیت‌های

صادراتی، مالیات بر صادرات، سوبسیدهای صادراتی، خریدهای دولتی و بسیاری موارد دیگر استفاده می‌کنند. به علاوه مقررات داخلی اثرات قابل ملاحظه‌ای در جریان‌های تجاری دارند و هیچ یک از این مقررات و محدودیت‌های تجاری در متوسط نرخ وزنی تعرفه اندازه‌گیری نمی‌شوند در حالی که موانع غیرتعرفه‌ای ممکن است آثار گسترده‌تری از تعرفه بر تجارت داشته باشند.

در واقع چیزی که باید اندازه‌گیری شود میزان مداخلات دولت ناشی از سیاستهای اتخاذ شده است که جریان کالاها و خدمات را بین کشور مبداء و سایر کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین شاخص حمایتی زیر از اهمیت خاصی برخوردار است.

$$IP = \frac{\sum_{i=1}^N (EX_i + IM_i) | \text{current trade policies}}{\sum_{i=1}^N (EX_i + IM_i) | \text{non-restrictive trade policies}}$$

در حالی که صورت کسر معرف جمع صادرات و واردات در تمامی N گروه کالاها و خدمات در شرایط تجاری موجود است، مخرج کسر مجموع صادرات و واردات برای تمامی گروه‌ها در حالتی است که اگر دولت سیاست تجاری را بکار می‌گرفت که محدودیتی بر جریان تجارت کالاها و خدمات با سایر جهان نداشت. چنانچه $IP=1$ باشد نشان می‌دهد که سیاست‌های تجاری دولت اصلاً محدودکننده نبوده و اقتصاد دارای ویژگی «تجارت آزاد» است. اما چنانچه IP به سمت صفر میل کند سیاست‌های تجاری بسیار محدودکننده بوده و اقتصاد به وضعیت مجزا از بقیه جهان و

آتارکی^۱ در می آید.

اگر بتوانیم چنین شاخصی را برای کشورهای مختلف محاسبه کنیم می توانیم بگوییم که کشورها با IP کمتر حمایتی تر عمل می کنند. همچنین می توان این شاخص را برای یک کشور در طول زمان مورد بررسی قرار داد تا تحول سیاست های تجاری در طول زمان را بررسی نماییم. افزایش این شاخص در طول زمان نشانگر آزادسازی تجاری است در حالی که کاهش آن نشانگر افزایش سیاست های حمایتی است. اما مشکل این روش آن است که اندازه گیری آن تقریباً غیرممکن به نظر می آید. معذالک این معیار شاخص مناسبی برای درک این موضوع است که تا چه حد کشورها از وضعیت مطلوب دور هستند.

حمایت مؤثر از صنایع در ایران

شاید مهمترین حمایتی که در دهه های اخیر از صنعت صورت گرفته، حمایت از طریق تخصیص ارز با قیمتهای پایین تر از نرخ بازار آزاد بوده است. طی برنامه اول مقادیر متنابهی ارز به صنعت اختصاص یافت. موافقت اصولی و مجوز فعالیت، بنگاهها و کارگاههای تولیدی را در لیست دریافت کنندگان ارز برای ورود تجهیزات و مواد اولیه قرار می داد. جداول زیر میزان و سهم ارز تخصیص یافته به صنایع را نشان می دهند:

¹ - Autarky

ارز تخصیصی به صنایع تحت پوشش وزارت صنایع به تفکیک گروههای صنعتی (میلیون دلار)

گروه صنایع	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	*۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶
غذایی، دارویی و بهداشتی	۲۲۷	۳۸۳	۱۷۵	۱۴۹	۳۸۵	۴۶۶	۴۶۰	۴۲۷	۳۲۳
برق و الکترونیک	۱۲۱	۸۵۴	۲۴۵	۲۴	۳۱۷	۴۶	۱۵۲	۲۵۱	۲۱۷
نساجی و پوشاک	۳۳۰	۱۱۱۴	۴۹۷	۷۲	۵۴۸	۲۳۷	۳۸۰	۵۰۶	۲۸۴
شیمیایی و سلولزی	۳۶۴	۴۳۲	۳۷۰	۸۳	۳۷۹	۳۱۳	۵۰۰	۵۷۳	۴۱۷
کانی غیرفلزی	۸۹	۱۷۵	۱۰۹	۲۰	۱۱۴	۲۸	۶۵	۸۷	۶۵
استفاده از* ارز غیرقابلی	-	-	۵۰۰	۱۵۰۰	-	۷۷۰	-	-	-
فلزی	۱۳۹	۴۱۲	۳۴۱	۳۲	۲۵۷		۴۴۳/۵	۵۴۸/۵	۳۴۲/۷
سنگین	۱۴۵۳	۴۱۸۳	۱۹۷۳	۴۰۵	۱۳۰۰	***۳۴۳			
خودروسازی	-	-	-	-	-	-	۵۱۶/۱	۷۶۵/۵	۶۴۷/۱
ماشین سازی	-	-	-	-	-	-	۱۵۶/۱	۱۸۵/۵	۱۴۴/۸
استفاده از* ارزی غیرقابلی	-	-	۲۰۰	۱۰۰۰	-	۴۰۰	-	-	-

مأخذ: محمدرضا رفعتی و ابراهیمعلی رازینی رحمانی، ۱۳۸۱، نقل از وزارت صنایع، اداره کل نظارت بر امور طرحها.

* در سالهای ۷۰ و ۷۱ ارقامی که تحت عنوان استفاده از ارز غیرقابلی آورده شده برآوردی است.

** در سال ۱۳۷۲ به علت شناور شدن ارز، آمار ارزهای تخصیصی در این سال برآوردی می باشد.

*** در سال ۱۳۷۳، ارز تخصیصی، صنایع فلزی در ارقام صنایع سنگین لحاظ شده است.

سهم ارزشهای تخصیص یافته در گروههای مختلف صنعتی نسبت به کل تخصیصهای ارزش به صنعت

گروه صنایع	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶
غذایی، دارویی، بهداشتی	۸/۳	۵	۴/۷	۱۸/۹	۱۱/۶	۳۱/۴	۱۷/۲	۸/۲	۱۳/۲
برق و الکترونیک	۴/۴	۱۱/۳	۶/۶	۳	۹/۶	۳/۲	۵/۶	۴/۸	۸/۹
نساجی و پوشاک	۱۲/۱	۱۴/۷	۱۳/۴	۹/۱	۱۶/۶	۱۶/۵	۱۴/۲	۹/۷	۱۱/۶
شیمیایی و سلولزی	۱۳/۳	۵/۷	۹/۹	۱۰/۵	۱۱/۴	۲۱/۸	۱۸/۷	۱۱	۱۷
کانی غیرفلزی	۳/۲	۲/۳	۲/۹	۲/۵	۳/۴	۱/۹	۲/۴	۱/۶	۲/۶
صنایع فلزی	۵/۱	۵/۴	۹/۱	۴	۷/۷	—	۱۶/۵	۱۰/۵	۱۴
صنایع سنگین:	۵۳/۳	۵۵/۳	۵۳/۵	۵۱/۵	۳۹/۳	۲۳/۹			
صنایع خودروسازی							۱۹/۳	۱۴/۷	۲۶/۵
صنایع ماشین سازی							۵/۸	۳/۵	۵/۹

برای محاسبه سهم گروهها، ارقام ارزشهای غیرقابلی در محاسبه کل ارزشهای تخصیصی به حساب نیامده است.
مأخذ: همان

در سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ میزان ارزش تخصیص داده شده به صنعت از طریق تسهیلات اعطایی

از محل حساب ذخیره ارزی صورت گرفت. در جدول زیر میزان تسهیلات اعطا شده از محل این

حساب درج شده است. همانطور که ملاحظه می شود بخش معدن در این میان سهم بسیار ناچیزی را

دریافت نموده.

تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی

سال	طرحهای مصوب	قراردادهای منعقد شده به تفکیک بخشها				
		صنعت	معدن	کشاورزی	حمل و نقل	خدمات فنی و مهندسی
۱۳۸۰	۱۱۹۵	۴۱۷/۵	۱/۳	۱/۹	۵۰/۰	۶۲
۱۳۸۱	۲۳۹۶/۷	۱۱۱۹/۹	۱/۷	۰/۷	۵۰/۰	۶/۹
۱۳۸۲						
بهار	۱۰۰۴/۵	۳۰۶/۹	۲	۰	۰	۰
تابستان	۱۵۹۳/۸	۹۸۲/۸	۰	۱/۲	۰	۰
یاپیز	۱۱۹۲/۴	۳۳۰/۵	۰	۱/۵	۱۱	۰
جمع						
۵۳۲/۷						
۱۱۷۹/۲						

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگر اقتصادی شماره ۳۴

نرخ مؤثر حمایت از صنایع

برای تحلیل چگونگی اثر سیاستهای تعرفه‌ای و ارزی بر نرخ مؤثر حمایت از صنایع مختلف

از محاسبات انجام شده توسط رفعتی و رازینی^۱ استفاده می‌نماییم. محاسبه این نرخ از پیچیدگی‌های

زیادی برخوردار است، ولی نامبردگان به ساده‌سازی و تحلیل ایستای تعرفه‌ها در حالت تعادل جزئی

^۱ برای شرح مفصل این بخش نگاه کنید به: رفعتی، محمدرضا و ابراهیم علی رازینی رحمانی (۱۳۸۱) سیاستهای حمایتی و پیامدهای آن در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

اقدام به محاسبه این نرخ می نمایند.

در آن بررسی نرخ مؤثر حمایت برای صنایع نساجی، پوشاک، چوب، کاغذ و مقوا، مواد شیمیایی، مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع فلزات اساسی و کانی غیرفلزی طی سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷ محاسبه شده است. علت انتخاب این سه سال، تحولاتی بوده است که در آن سالها در نحوه محاسبه تعرفه گمرکی، نرخهای تعرفه و ارز برای نهاده‌ها و کالاهای نهایی به وجود آمده بود.

در سال ۱۳۶۸، پایه محاسباتی تعرفه نرخ ارز رسمی حدود ۷۰ ریال بود به همین دلیل گرچه نرخ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی اغلب دو و سه رقمی در برخی کالاها حتی به بالاتر از ۵۰۰ درصد نیز می رسید، اما پایه محاسباتی نرخ رسمی ارز، نرخ مؤثر تعرفه را به میزان قابل توجهی کاهش می داد. بعلاوه در این سال نهاده‌های صنعت با نرخ ارز ۷۰ ریالی وارد می شد.

در سال ۱۳۷۲، تغییراتی در نرخ و نحوه محاسبه تعرفه‌ها بوجود آمد. بر اساس قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن انواع مالیاتهای دریافت از کالاهای وارداتی تبدیل به سود بازرگانی شد و نرخ اسمی سود بازرگانی گرچه نسبت به سالهای قبل کاهش زیادی پیدا کرد، اما با تغییر پایه محاسباتی تعرفه از نرخ رسمی ارز به نرخ شناور ارز (۱۷۵۰ ریالی)، عملاً نرخ تعرفه مؤثر افزایش یافت. در این سال واردات نهاده‌های صنعتی به نرخ شناور صورت می گرفت.

در سال ۱۳۷۷ نیز تغییرات عمده‌ای در این مقررات به وجود آمد و نرخهای تعرفه‌ای نسبت

به قبل تا حدودی افزایش یافتند. در این سال نرخ ارز نهاده‌های وارداتی به ۳۰۰۰ ریال تعیین شد.

برای محاسبه نرخهای تعرفه کالاهای نهایی و نهاده با استفاده از کتاب مقررات صادرات و واردات طی ۳ دوره ابتدا کالاهای هر بخش صنعتی به تفکیک نهاده و کالای نهایی مشخص و سپس متوسط تعرفه‌های هر بخش صنعتی از نسبت مجموع کل تعرفه‌ها به تعداد کالاها بدست می‌آید. نتایج این استخراج در جدول بعدی آمده است. برای محاسبه نرخ مؤثر حمایت اطلاعات مورد نیاز از aij (سهم نهاده در قیمت تمام شده) و همچنین میزان سهم نهاده‌های وارداتی از مجموع نهاده‌های مورد نیاز از آمار کارگاههای بزرگ صنعتی منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۶ استفاده شده است.

برای محاسبه نرخ مؤثر حمایت رابطه زیر استفاده شده است:

$$te = \frac{V' - V}{V}$$

$V =$ ارزش افزوده صنعت در حالت تجارت آزاد

$V' =$ ارزش افزوده صنعت پس از برقراری تعرفه‌ها

$$V = \sum p_j(1 - a_{ij})$$

$a_{ij} =$ سهم نهاده در قیمت تمام شده کالاهای j براساس قیمت‌های تجارت آزاد

$P_j =$ قیمت کالا در حالت تجارت آزاد، در این محاسبه قیمت یک واحد از کالا، یک دلار براساس

نرخ بازار آزاد فرض شده است.

برای محاسبه V' یعنی ارزش افزوده صنعت پس از مداخله، از رابطه زیر که در آن نرخهای متفاوت ارز برای واردات نهاده، محصولات نهایی و محاسبه تعرفه کالاهای وارداتی در آن دخالت داده شده است، استفاده می‌شود:

$$V' = (r_1 P_j + r_2 P_j t_j) - (r_3 i_1 + r_1 i_1 t_i + i_2)$$

هرگاه طرفین معادله را بر $r_1 P_j$ تقسیم کنیم.

$$V'' = \frac{V'}{r_1 P_j} = 1 + \frac{r_2}{r_1} t_j - \frac{r_3}{r_1} \cdot \frac{i_1}{P_j} - \frac{r_1}{r_1} \cdot \frac{i_1}{P_j} t_i - \frac{i_2}{r_1 P_j}$$

به جای $\frac{i_1}{P_j}$ و $\frac{i_2}{r_1 P_j}$ مقادیر آن یعنی $(a_{ij})_1$ و $(a_{ij})_2$ را قرار می‌دهیم.

$$V'' = 1 + \frac{r_2}{r_1} t_j - \frac{r_3}{r_1} (a_{ij})_1 - \frac{r_1}{r_1} (a_{ij})_1 t_i + (a_{ji})_2$$

در رابطه بالا به ترتیب داریم:

r_1 = متوسط نرخ ارز بازار

r_2 = نرخ ارز محاسباتی برای تعرفه کالاهای وارداتی

r_3 = نرخ ارز برای واردات نهاده

t_j = متوسط نرخ تعرفه کالاهای نهایی

t_i = متوسط نرخ تعرفه نهاده‌های وارداتی =

$(a_{ij})_1$ = سهم نهاده‌های وارداتی در قیمت تمام شده =

$(a_{ij})_2$ = سهم نهاده‌های داخلی در قیمت تمام شده =

متوسط نرخهای تعرفه کالاهای نهایی و نهاده در گروههای صنعتی

متوسط نرخ تعرفه نهاده			متوسط نرخ تعرفه کالای نهایی			نوع صنعت
۷۷	۷۴	۶۸	۷۷	۷۴	۶۸	
۲۵/۵	۲۹/۱	۱۹۷	۴۵/۵	۴۶/۱	۱۵۹/۳	پوشاک
۳/۵	۶/۱	۱۸/۸	۲۵/۱	۳۰/۴	۱۹۶	نساجی
۷/۶	۴/۷	۳۱/۵	۷۶/۴	۳۳/۶	۱۳۶/۱	چوب
۲۷/۳	۶/۴	۱۰/۷	۴۲/۶	۲۶	۹۷/۲	غذایی
۱۶/۳	۱/۶	۳۳/۲	۱۸/۰۴	۶/۸	۴۶/۱	شیمیایی
۹/۶	۵/۷	۲۳/۵	۳۹/۹	۲۶/۵	۱۰۸/۹	کانی غیرفلزی
۳/۷	۹/۲	۲۸	۵۶/۸	۳۱/۸	۱۲۹	فلزات
۰	۰	۰	۱۳/۹	۱۱/۹	۴۴/۲	کاغذ و مقوا و چاپ

مأخذ: رفعتی، محمدرضا و ابراهیم علی رازینی رحمانی (۱۳۸۱) سیاستهای حمایتی و پیامدهای آن در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

سهم ارزش نهاده و نهاده‌های وارداتی در ارزش تولیدات

نوع صنعت	سهم نهاده وارداتی در ارزش تولیدات	سهم نهاده در ارزش تولیدات
پوشاک	۰/۱۴۸	۰/۴۹۹
نساجی	۰/۱۴۸	۰/۴۹۹
چوب	۰/۰۷	۰/۵۰۳
غذایی	۰/۱۲۲	۰/۶۵۷
شیمیایی	۰/۲۹۵	۰/۴۶
کانی غیرفلزی	۰/۰۵۸	۰/۳۳۷
فلزات	۰/۲۱	۰/۵۷۱
کاغذ و مقوا و چاپ	۰/۲۲	۰/۴۷۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۶. نقل از مأخذ قبل

نحوه محاسبه نرخهای حمایت مؤثر برای صنایع کانی غیرفلزی در ذیل نشان داده شده است.

ارقام محاسبه شده برای صنایع کانی غیرفلزی در سالهای مورد نظر بر این اساس می‌باشند:

سال ۱۳۶۸

$$V = 1400 - 1400 \cdot (0/337) = 928/2$$

$$V'' = 1 + \frac{70}{1400} (1/0.89) - \frac{70}{1400} (0/0.58) - \frac{70}{1400} (0/0.58)(0/235) - 0/279 = 0/771$$

$$V' = (0/771)(1400) = 1080/6$$

$$te = \frac{V' - V}{V} = \frac{1080/6 - 928/2}{928/2} = 16/4\%$$

سال ۱۳۷۴

$$V = 4000 - 4000 \cdot (0/337) = 2652$$

$$V'' = 1 + \frac{1750}{4000} (0/265) - \frac{1750}{4000} (0/0.58) - \frac{1750}{4000} (0/0.58)(0/0.57) - 0/279 = 0/811$$

$$V' = (0/811)(4000) = 3244$$

$$te = \frac{V' - V}{V} = \frac{3244 - 2652}{2652} = 22\%$$

سال ۱۳۷۷

$$V = 6600 - 6600 \cdot (0/337) = 4111/8$$

$$V'' = 1 + \frac{1755}{6600} (0/399) - \frac{3000}{6600} (0/0.58) - \frac{1755}{6600} (0/0.58)(0/0.96) - 0/279 = 0/7992$$

$$V' = (0/7992)(6600) = 5275$$

$$te = \frac{V' - V}{V} = \frac{5275 - 4111/8}{4111/8} = 28/3\%$$

تعیین جایگاه هر صنعت در نظام حمایتی یکی از کاربردهای محاسبه نرخ مؤثر حمایت

است. از مقایسه نرخهای مؤثر حمایت در صنایع مختلف طی سه سال فوق رفعتی و همکاران استنباط

می نمایند که:

۱- صنعت کانی غیرفلزی از کمترین حمایت مؤثر و صنایع تولید فلزات اساسی و شیمیایی از بیشترین حمایتها برخوردار بوده‌اند. صنایع مواد شیمیایی و تولید فلزات اساسی در سال ۱۳۶۸ به ترتیب ۶۴/۱ درصد و ۳۶/۷ درصد از نهاده‌هایشان وارداتی بوده است. وجود ارز به نرخ رسمی برای واردات و همچنین وضع تعرفه بالاتر به محصولات نهایی نسبت به تعرفه نهاده‌های این صنایع، نرخ مؤثر حمایت از تولید فلزات اساسی، مواد شیمیایی و صنایع نساجی را بالا برده است.

۲- تا قبل از سال ۱۳۷۲ نرخهای تعرفه نقش قابل توجهی در افزایش نرخ مؤثر حمایت از صنایع نداشته است. این مسئله به دلیل پایین بودن نرخ تعرفه مؤثر بوده است. زیرا درآمد تعرفه‌ای با نرخ ۷۰ ریال محاسبه می‌گردید. در میان صنایع در سال ۱۳۶۸ صنایع نساجی از بالاترین متوسط تعرفه بر کالاهای نهایی برخوردار بوده است. در این سال متوسط نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی محصولات نهایی این صنعت حدود ۱۹۶ درصد و برای نهاده‌های این صنعت ۱۸/۸ درصد بوده است در حالی که این نرخها برای کالاهای صنایع شیمیایی ۴۶/۱ و برای نهاده‌های آن ۳۳/۲ درصد می‌باشد. نظام تعرفه‌ای این دو صنعت، گویای نرخ مؤثر حمایت بالاتر از صنعت نساجی است اما هنگامی که نرخهای ارز را در محاسبه نرخ مؤثر حمایت دخالت می‌دهیم نرخ مؤثر حمایت صنایع شیمیایی حدود ۱۶/۲ درصد از صنایع نساجی بیشتر می‌شود. این مسئله مؤثرتر بودن سیاستهای ارزی نسبت به سیاستهای تعرفه‌ای را در این سال نشان می‌دهد.

۳- در طی سال ۱۳۶۸ نرخ ارز برای واردات نهاده مهمترین عامل افزایش نرخ حمایت مؤثر بوده است جدول زیر نشان می دهد که بیشترین وابستگی به واردات نهاده‌ای در میان صنایع شیمیایی، کاغذ، مقوا، چاپ و صنعت تولید فلزات اساسی است که در این صنایع در سال ۱۳۶۸ به ترتیب از ۶۰/۸، ۴۴، ۵۵/۲ درصد نرخ مؤثر حمایت برخوردار بوده‌اند.

نرخ مؤثر حمایت از صنایع مختلف

نوع صنعت	۱۳۶۸	۱۳۷۴	۱۳۷۷
نساجی	۴۷/۵	۴۲/۵	۲۹/۳
پوشاک	۴۱	۵۳/۱	۳۸/۲
مواد غذایی و آشامیدنی	۴۷/۷	۵۲/۱	۴۹/۸
تولید فلزات اساسی	۶۰/۸	۵۷/۹	۶۱/۴
کانی غیرفلزی	۱۶/۴	۲۲	۲۸/۳
چوب و محصولات چوبی	۲۶/۸	۳۷/۲	۴۸/۲
کاغذ و مقوا و چاپ	۴۴	۳۳/۴	۳۴/۹
شیمیایی	۵۵/۱	۳۵/۸	۳۶/۳۱

مأخذ: رفعتی و همکاران

۴- در سال ۱۳۷۴، صنایع تولید فلزات اساسی پوشاک و مواد غذایی، آشامیدنی به ترتیب

بالاترین نرخهای مؤثر حمایت را داشته‌اند.

۵- در سال ۱۳۷۷ با تغییر مقررات صادرات و واردات، نرخهای تعرفه بار دیگر به حقوق گمرکی و سود بازرگانی تبدیل شد و در اغلب صنایع نرخهای مؤثر حمایت از کالاهای نهایی افزایش پیدا کرد.

۶- در سال ۱۳۷۷ تولید فلزات اساسی، مواد غذایی و آشامیدنی، چوب و محصولات چوبی و پوشاک به ترتیب $۶۱/۴$ ، $۴۹/۸$ ، $۴۸/۲$ ، $۳۸/۲$ درصد نرخ مؤثر حمایت از بالاترین حمایتها و صنایع نساجی و کانی غیرفلزی با $۲۹/۳$ ، $۲۸/۳$ درصد از پایین‌ترین نرخ مؤثر حمایت برخوردار بوده‌اند.

رفعتی و همکاران در تحلیلهای خود به عدم وجود یک استراتژی مشخص حمایت از صنایع اشاره می‌نمایند زیرا تغییرات قابل توجهی که در میزان حمایتهای مؤثر طی سه سال مورد بررسی وجود دارد نشانگر تغییر مداوم سیاستها در اولویت‌بندی صنایع مختلف است. مثلاً صنایع شیمیایی در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۸ حدود $۱۸/۸۹$ % و صنایع نساجی در طی این دوره حدود $۱۸/۲$ % کاهش حمایت داشته‌اند. در حالی که صنایع چوب و محصولات چوبی حدود $۲۱/۴$ % و کانی غیرفلزی حدود $۱۱/۹$ % افزایش در حمایت مؤثر داشته‌اند. مشخص نیست که این کاهش و افزایش حمایتها براساس چه اولویتهای صنعتی کشور بوده است. در حالی که طی دهه گذشته، اقتصاد کشور به شدت از بیکاری رنج می‌برد، حمایت از صنایع سرمایه‌بر همچون صنایع فلزی و شیمیایی و کاهش حمایت از صنعت نساجی و پوشاک نمی‌تواند توجیه‌کننده استراتژی درست

صنعتی باشد.

قیمت گذاری سیمان

قیمت گذاری سیمان از لحاظ موانع بازرگانی به عنوان یک مانع مهم شناخته می شود. زیرا این امر نه تنها فعالیت های بازرگانی خارجی سیمان را دچار اختلال می نماید بلکه به دلیل قیمت گذاری های انجام شده در مکانیزم عرضه و تقاضا جایگاه ضعیفی به دست می آورد. از لحاظ مسائل مرتبط با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیز یکی از معضلات در بخش سیمان همین امر خواهد بود. از لحاظ موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی پرداخت یارانه ها به انحاء مختلف حتی با اجبار از طریق قیمت گذاری کالاها بایست مرتفع گردد. با توجه به اهمیت این موضوع مروری بر قیمت گذاری سیمان خواهیم داشت.

بر اساس طرح جامع سیمان مصوب اسفند ۱۳۸۱ کمیته تنظیم بازار مسئول قیمت گذاری سیمان می باشد. بر اساس ماده ۱، این کمیته وظایف خود را در امر نظارت و پشتیبانی و برنامه ریزی طرح جامع سیمان به کمیته ای با مسئولیت معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی و عضویت معاونت امور معدنی وزارت صنایع و معادن و معادن زیربند وزارت مسکن و شهرسازی محول نمود. کمیته ذیربط موظف است بطور مرتب با دعوت از مدیرعامل سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور، مدیرعامل سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان و دبیر انجمن صنفی کارفرمایان سیمان حداقل هر ماه یک بار تشکیل جلسه داده و هر سه ماه یک بار گزارش لازم را به کمیسیون تنظیم بازار ارائه دهد.

بر اساس مقررات مصوب این کمیته نرخ سیمان خاکستری بر مبنای نرخ پایه و سقف نرخ فروش تعادلی تعیین می‌شود که تعیین نرخ پایه در سال ۱۳۸۲ بر اساس نرخ مصوب سال ۸۱ با اضافه ۱۵٪ رشد خواهد بود و سقف نرخ فروش تعادلی بر مبنای تصمیم کمیته فوق الذکر با در نظر گرفتن پیشنهاد انجمن صنفی کارفرمایان سیمان تعیین می‌گردد.^۱

کارخانجات سیمان موظفند تفاوت نرخ پایه و سقف نرخ فروش تعادلی را جهت توسعه، بهسازی و اجرایی طرح‌های افزایش ظرفیت و تامین مابه‌التفاوت قیمت تمام شده سیمان تحویلی با استفاده از کلینکر وارداتی و با سیمان خاکستری وارداتی جهت ایجاد تنظیم بازار در حوزه جغرافیایی تعیین شده خود مصرف و اندوخته‌ها را هر سه ماه یکبار به دبیرخانه کمیته اعلام نمایند. در عین حال قیمت پایه سالانه و سقف قیمت فروش تعادلی بر حسب ضرورت و حداقل هر سه ماه یکبار توسط کمیته ماده ۱ پس از اخذ نظر کارشناسی سازمان حمایت تعیین خواهد شد.

ضرایب سود عمده فروشی و خرده فروشی پس از اعلام نظر کمیته ماده یک توسط هیئت تعیین و تثبیت قیمت‌های سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان تعیین و ابلاغ می‌شود.

بر اساس ماده ۸ آئیننامه مذکور، شرکت‌های تولیدی سیمان موظف به ایجاد تعادل در بازار حوزه تعیین شده بوده و متعهد می‌گردند جهت جلوگیری از ایجاد تنش بازار بخشی از عایدات حاصل از تفاوت نرخ پایه و سقف نرخ فروش تعادلی خود را برای تامین مابه‌التفاوت قیمت تمام شده

^۱ . <http://www.Iran.cement.com/f-bakshnameh> 82.html

سیمان تحویلی با استفاده از کلینکر و یا سیمان وارداتی تخصیص دهند و وزارت صنایع و معادن در قبال تضمین واردات مسئول و متعهد می‌باشد.

بر اساس ماده ۱۰ آئیننامه مذکور در جهت پشتیبانی و اجرای مطلوب مفاد بندهای طرح در استان‌ها کمیسیون تنظیم بازار استان، مشارکت نماینده استاندار و مسئولیت سازمان‌های بازرگانی و حضور رئیس سازمان صنایع و معادن استان، مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های استان و مدیران عامل کارخانجات مستقر در استان تشکیل می‌گردد.

اصولاً قیمت گذاری دولتی سیمان در ایران باعث شده است که دولت سهمیه بندی در توزیع را نیز به عهده بگیرد. اتخاذ چنین روشی موجب گردیده است که قیمت سیمان با نرخ دولتی کمتر از نرخ آن در بازار آزاد شده و این امر موجب اختلال در بازار سیمان گردیده است.

شایان ذکر است که سهامداران عمده صنعت سیمان شامل: سازمان تامین اجتماعی، بنیاد مستضعفان و جانبازان و بانک ملی ایران مسئول واردات سیمان و کلینکر بر اساس نیازهای اعلام شده توسط کمیته مذکور در ماده ۱ میباشند. بعلاوه وزارت صنایع مسئول تعیین قیمت سیمان برای کارخانجات مختلف بسته به کیفیت سیمان تولیدی و ناحیه یا استان مورد نظر می‌باشد. تمامی تولید کنندگان و توزیع کنندگان سیمان مشمول قیمت‌های کنترل شده هستند.

خلاصه و نتیجه گیری

در این فصل به بررسی ماهیت تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی صنعتی ایران و بالاخص سیمان پرداختیم. در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی موانع غیر تعرفه‌ای بایست تغییر شکل یافته و حتی المقدور به تعرفه تبدیل شوند. تعرفه‌ها نیز دچار کاهش تدریجی خواهند شد.

بطور کلی موانع غیر تعرفه‌ای نسبت به تعرفه‌ها صدمه زیادی به تجارت جهانی و تک تک کشورهای وارد می‌آورد و عموماً از لحاظ آثار قیمتی و حمایتی ناشفافند و سبب ایجاد انحراف در الگوهای تولید و مصرف و تجارت در اقتصاد می‌شوند. گرچه این موانع می‌توانند اثرات مطلوبی بر حمایت از تولیدکننده داخلی داشته باشند ولی براساس نظریات مختلف تجارت بین‌الملل می‌توان نشان داد که این محدودیتها عملاً باعث کاهش رفاه در جامعه بین‌الملل خواهد شد. از طرفی طبیعت این موانع به گونه‌ای است که پایش یا مانیتور و کنترل آن مشکل است. لذا براساس موافقتنامه‌های دور اروگوئه کشورها می‌بایست موانع غیر تعرفه‌ای خود را که به نحوی در بازرگانی خارجی مؤثر است از میان برداشته و با احتساب رقمی معادل حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیر تعرفه‌ای مزبور ارقامی بعنوان تعرفه تعیین و در گمرکات خود اعمال نمایند.

در این بخش به ارتباط موانع غیر تعرفه‌ای در ایران با یکدیگر پرداختیم. بدین منظور موانع غیر تعرفه‌ای بخش صنعت را برشمرده و با استفاده از اطلاعات سری زمانی زیر بخشهای مختلف

صنعت از ابعاد صادرات و واردات همسو نبودن این موانع را بررسی کردیم. چنانچه موانع غیر تعرفه‌ای با هم همسو نباشند می‌توان براحتی استدلال کرد که حذف دسته جمعی این موانع باعث ایجاد اثر قابل توجهی در بازرگانی خارجی ایران نخواهد شد و بلکه کارایی بازرگانی خارجی را نیز افزایش خواهد داد.

سازمان جهانی تجارت توجه قابل ملاحظه‌ای را بر استفاده از محدودیت‌های کمی و سایر اقدامات غیر تعرفه‌ای مطرح نمود. از طرف دیگر تعرفه‌ها و سایر اقدامات غیر تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخلی باید کاهش یافته و در صورت امکان از طریق مذاکرات کشورهای عضو حذف شود و تعرفه‌هایی که بدین صورت کاهش یافته‌اند باید تثبیت شوند و دیگر افزایش نیابند. اصل حاکم بر مبادله امتیازها در مذاکرات تصریح می‌نماید که کشورها در مذاکرات تجاری خود توافق می‌کنند تعرفه‌ها را کاهش داده و افزایش‌های بعدی تعرفه‌ها را منتفی و سایر موانع غیر تعرفه‌ای را حذف کنند. کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها یا رفع موانع غیر تعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی خواستار دسترسی بیشتری به بازار سایر کشورها است باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر امتیازاتی داده‌اند، امتیازاتی اعطا کند. این قاعده «عمل متقابل کامل» بر مذاکرات فی‌مابین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال نمی‌شود و از کشورهای در حال توسعه خواسته می‌شود بر اساس «عمل متقابل نسبی» امتیازاتی را اعطا نمایند.

شرط معروف دول کامله‌الوداد اعلام می‌دارد اگر کشوری عضو سازمان تجارت جهانی به کشور دیگری هر گونه تعرفه یا امتیاز دیگری برای هر محصولی اعطا کند باید فوراً و بدون قید و

شرط آن را به محصول مشابه سایر کشورها تعمیم دهد. تعهد تعمیم این رفتار نه تنها بر واردات بلکه بر صادرات نیز اعمال می‌شود.

اصل رفتار ملی کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا با محصولات وارداتی رفتاری کاملاً یکسان و مشابه با کالاهای ساخت داخل داشته باشند. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست بر محصول وارداتی که با پرداخت حقوق گمرکی به کشور وارد شده است مالیات‌های داخلی (مالیات بر فروش یا عوارض دیگر) با نرخ‌های بالاتر از آنچه بر محصولات داخلی مشابه اعمال نموده وضع نماید.

بنگاه‌های صادراتی عموماً تعرفه‌ها را بر محدودیت‌های کمی ترجیح می‌دهند زیرا تعرفه‌ها شفاف هستند و تأثیر آنها بر قیمت قابل پیش‌بینی است، همچنین استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی موجب عدم اطمینان در تجارت می‌شود زیرا مقامات اداری (کشور واردکننده) میزان سهمیه‌ها یا موانع غیرتعرفه‌ای را هر وقت که مقتضی بدانند تغییر می‌دهند و اغلب به دلایل گوناگون واردکنندگان را مجبور به اخذ مجوز واردات می‌کنند و این قبیل موانع غیرتعرفه‌ای برای نظارت بر محدودیت‌های کمی در شرایط خاصی برای کشورهای عضو مجاز است و یا ممکن است برای نظارت بر آمارهای تجاری یا قیمت‌های برخی کالاها مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی‌های بعمل آمده حاکی از آن است که موانع غیرتعرفه‌ای OECD بطور قابل توجهی

سهم بیشتر واردات از کشورهای در حال توسعه را نسبت به واردات از سایر کشورهای صنعتی متأثر

می‌سازد. تقریباً ۱۸ درصد از صادرات غیرنفتی کشورهای در حال توسعه مواجه با اقدامات غیرتعرفه‌ای است، در حالی که سهم مذکور برای واردات از OECD حدود ۱۰ درصد است. بین ۵۲ تا ۶۴ درصد از صادرات منسوجات و پوشاک کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کمتر از ۱۰ درصد صادرات OECD از کالاهای مذکور مواجه با محدودیت است. نسبت‌های پوشش (نسبت تجارت مواجه با اقدامات غیرتعرفه‌ای به میزان کل تجارت) موانع غیرتعرفه‌ای برای صادرات چرم و کفش کشورهای در حال توسعه ۱۷ تا ۲۷ درصد بیشتر از محصولات کشورهای صنعتی است. نسبت‌های پوشش همواره برای کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته نیست. به طور مثال در مورد اقلام غذایی نسبت پوشش برای کشورهای صنعتی ۲۸ درصد و برای کشورهای در حال توسعه ۱۸ درصد است. در کل از جمله محدودیتهای عمده برای واردات، عوارض متغیر بر واردات است که در گروه مواد غذایی و خوراک با ۵۲ درصد از کل پوشش موانع غیرتعرفه‌ای تجارت را شامل می‌شود. پس از آن محدودیتهای کمی با پوشش ۳۰ درصد تجارت و سایر اقدامات کنترل قیمت (مانند حداقل قیمت‌های واردات) ۱۷ درصد از کل تجارت را پوشش می‌دهند.

اصول راهنمای زیر برای اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای بکار برده می‌شود:

- اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای باید به گونه‌ای باشد که میزان معادل تعرفه را برحسب قیمت‌های داخلی کالاهای تجاری نشان دهد.
- تنها اثرات مستقیم بر قیمت‌های داخلی باید برای محاسبه تعرفه معادل استفاده شوند.
- یک روش یکتا که بتوان بعنوان روش قابل اتکا برای اندازه‌گیری تعرفه معادل موانع

غیرتعرفه‌ای در تمام بخشها بکار گرفت وجود ندارد.

- جایگزین برای برخی موانع غیرتعرفه‌ای خاص وجود ندارد.
- تأکید اصلی می‌بایست بر روشهایی باشد که اطلاعات خود را از داده‌های منتج از بازار می‌گیرند تا از برآوردهائی از داده‌ها.
- در عمل بسیاری موانع غیرتعرفه‌ای وجود دارند که نمی‌توان برای آنها روشهای با کیفیت مناسب برای معادلسازی تعرفه پیدا نمود.
- با توجه به نااطمینانی مرتبط با اندازه‌گیری معادل تعرفه موانع غیرتعرفه‌ای بهتر است نتایج درون یک فاصله اعتماد تقریبی ارائه و تحلیل شوند.
- بهتر است برآوردهای تعرفه معادل برای ریزترین سطح ممکن اقلام کالاها محاسبه شوند.

با توجه به الزاماتی، در مورد کالاهای خاص از ابعاد مختلف بهداشت، استاندارد، اعتقادات مذهبی، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تولیدات داخلی، بازگرداندن درآمد حاصل از صادرات، سیاستهای تنظیم واردات در مقابل صادرات و ... موانع غیرتعرفه‌ای متعددی در ایران وضع گردیده است. مازاد بر موانع غیرتعرفه‌ای باید بر ماهیت سیاسی برخی موانع غیرتعرفه‌ای نیز اشاره نمود که غالباً در درون تصمیمات مختلف مقطعی ظهور پیدا می‌کند و عملاً سبب ایجاد اختلال در امر واردات یا صادرات کشورها می‌شود. برای مثال تبااهی که دولتها در مورد متهم به مسموم بودن برخی مواد غذایی کشوری خاص انجام می‌دهند که سبب ورشکستگی صنایع مرتبط با آن کالا در کشور مزبور می‌شود را می‌توان نام برد. برای مثال عدم بهداشتی تلقی کردن پسته و خرمای ایران در

کشورهای اروپایی و آمریکا و یا عدم بهداشتی معرفی کردن محصولات کشاورزی ایران در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس از جمله نمونه‌های بارزی در مورد ایران می‌باشند. تحریم صدور کالا از طریق فشارهای سیاسی بین‌المللی نیز خود طیف وسیعی از تحولات را در بخش بازرگانی خارجی کشورها ایجاد می‌نماید. برای مثال دوران تحریم اقتصادی ایران مخصوصاً در سالهای جنگ ایران و عراق ماهیت این موضوع را روشن می‌نماید. سهمیه بندیهای ارزی خود یکی دیگر از موانعی است که نمی‌توان آن را در غالب موانع تعرفه‌ای طبقه بندی نمود. این سهمیه بندیها عملاً تخصیص واردات را در کشورها به نفع اولویتهای دولت تغییر می‌دهد. وجود نرخهای ارز چندگانه نیز به انحاء مختلف تخصیصهای واردات و صادرات را بر هم می‌زند. گرچه نرخ ارز عملاً از لحاظ عملکرد جزو موانع تعرفه‌ای بوده و غیرتعرفه‌ای نیست ولی اثر بسزایی در بازرگانی خارجی دارد و این اثر در زمان وجود نرخهای چندگانه از شدت اثر بیشتری در تحدید یا تشویق واردات و صادرات برخوردار است. برخی از موانع غیرتعرفه‌ای جنبه بین‌المللی دارد و مورد ایراد نیست مانند رعایت استانداردهای رسمی و بین‌المللی تا جایی که ایمنی و سلامت نیروی کار و مصرف‌کننده مطرح است یا بهداشت و قرنطینه حیوانی و دامی، ملاحظات ایمنی و مذهبی ملی و امنیتی و انرژی اتمی در رابطه با مواد آلوده کننده یا مواد پرتوافکن. ولی سایر موانع مثل ممنوعیت یا محدودیت‌ها و مجوزهای ورود، الزامات ثبت سفارش، کارت بازرگانی، عضویت در اتاق بازرگانی، حمل با وسایل نقلیه داخلی، خرید بصورت پیش‌بینی شده و محدودیت و یا ممنوعیت به اعتبار مبداء حمل یا ساخت یا هر دو، منوط به منحصرأ استفاده از ارز دولتی، و بسیاری موارد مشابه دیگر می‌باشد. این قبیل موانع

عملاً بر روند واردات اثر می‌گذارند و آن را کند می‌کند ولی با توجه به اینکه همواره راه‌های مختلفی برای جبران این محدودیت‌ها در قالب‌های دیگر نظیر واردات از مناطق آزاد و غیره باز می‌شود می‌توان ادعا کرد که این موانع نیز قادر نبوده‌اند در روند واردات ایران تأثیر چندانی گذارند و یا تهدیدی برای آن محسوب شوند.

پیمان ارزی تقریباً در اکثر سالهای قبل و بعد از انقلاب وجود داشته است. لیکن تفاوتی بین قبل و بعد از انقلاب وجود دارد و این تفاوت، فقدان اختلاف نرخ ارز با نرخ رسمی و حتی در مواردی ارزان‌تر بودن نرخ ارز بازار نسبت به نرخ ارز رسمی در سالهای قبل از انقلاب می‌باشد. علیرغم وجود پیمان ارزی این مانع نتوانسته است تأثیر عمده‌ای در روند بازگشت منابع ارزی بجا بگذارد. در حال حاضر پیمان سپاری ارزی در بازرگانی خارجی ایران حذف شده است.

انواع موانع غیرتعرفه‌ای مذکور در این فصل لاقلاً در دو الی سه دهه گذشته در اقتصاد ایران مطرح بوده‌اند و بسیاری از آنان نیز در حال حاضر منسوخ می‌باشند. به طور کلی از میان حدود ۵۱۱۶ ردیف تعرفه‌ای (بدون لحاظ کردن فصل ۷۷) حدود ۹۵/۱۹ درصد مشروط، حدود ۳/۴۸ درصد ممنوع و حدود ۰/۱۶ درصد مجاز می‌باشند، همچنین ۱/۱۷ درصد نیز کالاهایی هستند که از قوانین خاص پیروی می‌کنند. کالاهای مشروط همگی مستلزم رویه‌های خاص اجرائی در روند صادرات و واردات می‌باشند. گونه‌های موانع غیرتعرفه‌ای زیر از اهم موانع می‌باشند:

محدودیت واردات: به اعتبار تولیدات یا محصولات داخلی با هدف حمایت از تولیدکنندگان

داخلی یا به لحاظ مشکلات ارزی و به منظور حفظ تعادل بین واردات و صادرات یا به لحاظ عدم برخورداری کالا از اولویتهای تعیین شده یا به لحاظ تولید مشابه داخلی به حد کافی یا به لحاظ تجملی یا لوکس بودن یا غیر ضروری بودن کالا یا به لحاظ مبدأ یا به اعتبار کشور مبدأ یا به لحاظ کیفیت کالا (مستعمل بودن کالا) یا (کهنه بودن کالا مثلاً الیف کهنه) یا به لحاظ اغفال خریداران در ارتباط با مبدأ کالا (مثلاً کالاهایی که با علائم تجاری و نام کارخانجات معروف یا کشورهای خاص عرضه می‌شود) یا به موجب قوانین خاص و یا ممنوعیتهایی که طبق شریعت مقدس اسلام به اعتبار مصرف کالا وضع شده‌اند.

الزامات قانونی واردات شامل: ثبت سفارش کالا در وزارت بازرگانی، ثبت سفارش کالا در بانک، بیمه باربری نزد شرکتهای بیمه ایرانی، کارت بازرگانی، کارت اقتصادی، تودیع ودیعه برای واردات، الزام به ارائه گواهی بازرسی برای مقامات دولتی نظیر بانکها، وزارتخانه‌های صنعتی و غیره، اخذ گواهی استاندارد حسب مورد، اخذ گواهی بهداشت حسب مورد، اخذ گواهی قرنطینه و غیره حسب مورد، رعایت ضوابط بانک مرکزی در ثبت سفارش و موعد گشایش اعتبار و غیره، پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به بانک، پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به وزارت بازرگانی و یا رعایت روشهای توصیه شده برای واردات از لحاظ تقسیمات واردات با ارز دولتی (ارز بازرگانی) به نرخهای شناور، صادراتی و غیره، یا با ارز غیر بازرگانی (واردات بدون انتقال ارز)، یا واردات از محل قراردادهای دولت با کشورهای بیگانه (پایپای قراردادی)، یا واردات بصورت پایپای مرزی (پيله وری)، یا واردات به صورت مبادلات مرزی، یا سایر موارد می‌باشد.

در رابطه با صادرات، محدودیتها و ممنوعیت به لحاظ نیاز داخلی، ممانعت از افزایش قیمتها در داخل، به لحاظ شرعی، ممنوعیت به اعتبار قوانین خاص، ممنوعیت صدور اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی وضع می شود. الزامات قانونی صادرات شامل: قیمت گذاری کالای صادراتی توسط کمیسیون نرخ گذاری، کارت بازرگانی، کارت اقتصادی، تودیع پیمان ارزی برای کالای صادراتی، رعایت استانداردهای اجباری، رعایت بهداشت، رعایت مقررات قرنطینه دامی یا نباتی و اخذ مجوزهای ورود یا صدور برای کالای مجاز مشروط و تعیین ارزش کالای ورودی توسط گمرک مبتنی بر معیارهای قانونی تعیین ارزش کالای ورودی در گمرک و تعیین ارزش کالا بدون توجه به مستعمل بودن کالا می باشد.

در سالهای اخیر در جهت مهیا نمودن شرائط الحاق به سازمان تجارت جهانی بسیاری از این موانع غیر تعرفه ای حذف شده اند با ارائه شرحی درباره موانع غیر تعرفه ای مهم و گمرکی در بخشهای واردات و صادرات مکانیزم های عمل این موانع را بررسی می نماییم. در بخش واردات به رویه واردات در مقابل صادرات بالاخص در مواردی که برای صادرات تعهد یا پیمان ارزی اخذ نمی شود و یا مواردی که صادرات موکول به تودیع تعهد ارزی است این مانع را شرح می دهیم. واردات قبل از صادرات به دو صورت متداول واردات موقت برای پردازش به شرط صدور مجدد و واردات قطعی قبل از صادرات قطعی نیز از مباحث مرتبط با این بخش است. واردات بدون انتقال ارز که به شکل یک رویه گمرکی درآمده بود نیز در این قسمت بازبینی می گردد.

در بخش صادرات موانع مختلف غیر تعرفه ای مهم در صادرات تجاری کالا که حتی به

منظور حمایت از صادرات و تشویق صادر کنندگان نیز وضع می شود در موارد: قیمت گذاری کالای صادراتی، یارانه صادراتی، معافیت یا تخفیف پیمان ارزی، واردات در مقابل صادرات، بازپرداختهای گمرکی، استرداد حق ثبت سفارش، معافیت گمرکی لوازم بسته بندی کالای صادراتی، معافیت گمرکی ماشین آلات و دستگاهها تشریح می گردد.

لازم به ذکر است که براساس قانون صادرات کالا و خدمات از پرداخت از پرداخت هرگونه عوارض معاف است و هیچیک از وزارتخانه ها، سازمانها، نهادها، دستگاههای اجرایی، شهرداری ها و شوراهای محلی، استانی و کشوری که بر طبق قوانین و مقررات حق وضع و اخذ عوارض را دارند مجاز نیستند از کالاها و خدماتی که صادر می شوند عوارض اخذ نمایند یا مجوز اخذ آن را صادر کنند.

برای اینکه بدانیم آیا موانع غیر تعرفه ای وضع شده در ایران محدود کننده یا مشوق بازرگانی خارجی است جهت اثر آنها را از لحاظ کاهندگی یا فزاینده گی صادرات و واردات بررسی می کنیم. به عبارت دیگر بررسی نمودیم که آیا وضع و یا رفع موانع غیر تعرفه ای یا افزایش نرخ تعرفه اثرات هماهنگی با یکدیگر در یک بخش دارند یا خیر. بر اساس بررسیهای انجام شده، موانع مختلف غیر تعرفه ای در واردات چندان هماهنگی با دیگر موانع غیر تعرفه ای نداشته در اکثر اوقات نقیض یکدیگر می باشند. از باقی نتایج بدست آمده اینکه همبستگی قواعد و مقررات غیر تعرفه ای بسیار پایین بوده و نشان دهنده عدم همخوانی و همسویی قوی سیاستهای موانع غیر تعرفه ای می باشد.

مشابه نتیجه فوق برای صادرات بدست آمد و نتایج بدست آمده حاکی از عدم همخوانی و همسویی موانع غیر تعرفه‌ای در بخش صادرات برای صنعت ایران می‌باشد.

با توجه به ناهمسو بودن موانع غیر تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران در بخش صنعت می‌توان گفت که برداشتن این موانع همگی به کارایی بازرگانی خارجی ایران خواهد افزود زیرا همسو نبودن این موانع به معنی داشتن اثرات مثبت و منفی و بر خلاف جهت یکدیگر در اجرای یک نوع سیاست مثلاً تحدید واردات با تشویق صادرات می‌باشند. لذا با توجه به موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مبنی بر لزوم تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ها به نظر نمی‌رسد اشکالات چندانی در جهت حذف موانع غیر تعرفه‌ای بوقوع بپیوندد تا چه برسد به تبدیل آنها به تعرفه‌ها.

بررسی‌های فوق را در مورد بخش کانی‌های غیر فلزی ادامه دادیم. موانع عمده غیر تعرفه‌ای واردات در بخش کانی‌های غیر فلزی شامل موارد واردات با ارز بازرگانی، واردات بدون انتقال ارز، واردات در مقابل صادرات، عوارض ثبت سفارش واردات، واردات ارزی محدود، واردات (بدون انتقال ارز) محدود به موارد خاص، واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص، واردات مجاز، واردات غیر مجاز، واردات مشروط، ممنوعیتها بسیار محدود می‌شود. موانع عمده غیر تعرفه‌ای در صادرات سیمان و سایر کانی‌های غیر فلزی شامل صادرات مجاز، صادرات غیر مجاز، واردات در مقابل صادرات، مجوزهای خاص حسب مورد، صادرات مشروط، صادرات عمدتاً مشروط، پیمان ارزی، پیمان ارزی صوری است، پیمان ارزی تقریباً صوری، قیمت گذاری الزامی، تخفیف در پیمان ارزی در نظر گرفته شدند.

با انجام محاسبات مشابه مجدداً به وضوح نتیجه گرفتیم که حذف موانع غیر تعرفه‌ای به دلیل ناسازگاری و ناهم جهت بودن آنها تأثیر چندانی بر تجارت خارجی کانی‌های غیر فلزی نخواهد داشت. موانع غیر تعرفه‌ای در این بخش و کل بخش صنعت تعمیم این نتیجه‌گیری نیز را ساده می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان به این نتیجه کلی را هم مد نظر قرار داد که حذف موانع غیر تعرفه‌ای در ابتدا نه تنها اشکالی در تحدید واردات یا تشویق صادرات به عمل نمی‌آورد بلکه با رفع موانع ایجاد شده کارایی نظام تجارت خارجی ایران را بهبود نیز خواهد بخشید. حال چنانچه با روشهای تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای اقدام به برقراری تعرفه بنمائیم قدمی در جهت اعمال نظرات مستقیم سیاستگذار در رسیدن به اهداف تجاری یا حمایتی برداشته شده است. بدین ترتیب گرچه اخیراً اقداماتی در جهت رفع و حذف موانع غیر تعرفه‌ای برداشته شده تا سازگاری مناسب برای تطبیق با موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت ایجاد شود ولی می‌توان با تاکید این بررسی صحت ادامه این سیاست یعنی حذف تقریباً تمامی موانع غیر تعرفه‌ای اقدام نمود.

در بخش بعد به بررسی تعرفه‌ها پرداختیم. تعرفه‌ها در میان کشورهای خلیج فارس اساساً متفاوت است. در ایران تعرفه بر اساس مقررات صادرات و واردات کلیه کالاهای وارداتی به ۲۱ قسمت و ۹۷ فصل تقسیم می‌شوند. پایین ترین نرخ تعرفه مربوط به صنایع شیمیایی است. صنعت کانی غیر فلزی در ردیف پنجم متوسط نرخ تعرفه‌ای معادل ۳۵/۷ درصد را تجربه نموده است. در حقیقت صنعت سیمان در ایران در مقایسه با صنایعی نظیر مواد غذایی و منسوجات کمتر مورد حمایت قرار گرفته اما در مقایسه با بخشهایی نظیر صنایع شیمیایی با متوسط نرخ تعرفه ۱۸/۹ درصد مورد حمایت

می‌باشد. ایران درجات حمایت تعرفه‌ای بالاتری را نسبت به سایر کشورها اعمال داشته است. به عنوان مثال متوسط نرخ تعرفه در بخش صنعتی در ترکیه، سنگاپور و فیلیپین بالغ بر ۵/۷، ۲/۷ و ۹/۱ درصد می‌باشد. حتی در مقایسه با تایلند ۴۳/۷ و هندوستان با متوسط نرخ تعرفه ۲۹/۵ درصد، ایران شاهد متوسط نرخهای تعرفه بالاتر بالاخص در بخش صنایع خوراکی و منسوجات بوده است. در واقع شدت سیاستهای حمایتی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه منجر به قاچاق کالاها گردیده است که این به معنی این است که متوسط نرخ تعرفه عملی پایین‌تر از مقادیر گزارش داده شده رسمی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط ساده تعرفه گمرکی (متوسط ساده مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) ایران برای کلیه قسمتهای و فصل‌ها در حدود ۶۰/۷ درصد می‌باشد. کالاهای اساسی که واردکننده عمده آنها دولت می‌باشد مانند کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و گوشت معمولاً از تعرفه معاف بوده و یا دارای نرخ تعرفه پایینی می‌باشند. کالاهای لوکس و رودشان عمدتاً ممنوع بوده و یا دارای نرخ تعرفه بالایی می‌باشند و کالاهایی که جنبه صادراتی دارند و در حال حاضر نیز صادر می‌گردند به دو گروه تقسیم می‌شوند برخی نظیر انواع پوشاک، کفش و پوست دارای نرخ تعرفه بالا بوده و برخی دیگر مانند سوخته‌های معدنی، روغن‌های معدنی، محصولات صنایع شیمیایی و محصولات شیمیایی آلی دارای نرخ تعرفه پایین و یا معاف از تعرفه می‌باشند. تعرفه‌های سیمان در سال ۱۳۸۳ رقم ۴٪ ارزش واردات سیمان می‌باشد که نرخ بالایی نیست این نرخ در مورد آهک‌های مختلف و گچ تا حدود ۱۵٪ ارزش وارداتی آنها نیز وضع گردیده.

حمایت مؤثر در صنایع از طریق اعمال تعرفه‌ها از مباحث بعدی در این زمینه می‌باشد. مهمترین حمایتی که در دهه‌های اخیر از صنعت صورت گرفته، حمایت از طریق تخصیص ارز با قیمتهای پایین تر از نرخ بازار آزاد بوده است. در سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ میزان ارز تخصیص داده شده به صنعت از طریق تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی صورت گرفت. میزان تسهیلات اعطا شده از محل این حساب به بخش معدن سهم بسیار ناچیزی بوده است.

چگونگی اثر سیاستهای تعرفه‌ای و ارزی بر نرخ مؤثر حمایت از صنایع مختلف تحلیل گردید. نتیجه این بود که صنعت کانی غیرفلزی از کمترین حمایت مؤثر و صنایع تولید فلزات اساسی و شیمیایی از بیشترین حمایتها برخوردار بوده‌اند. از طرفی تا قبل از سال ۱۳۷۲ نرخهای تعرفه نقش قابل توجهی در افزایش نرخ مؤثر حمایت از صنایع نداشته است. این مسئله به دلیل پایین بودن نرخ تعرفه مؤثر بوده است و در سال ۱۳۶۸ نرخ ارز برای واردات نهاده مهمترین عامل افزایش نرخ حمایت مؤثر بوده است. در سال ۱۳۷۴، صنایع تولید فلزات اساسی پوشاک و مواد غذایی، آشامیدنی به ترتیب بالاترین نرخهای مؤثر حمایت را داشته‌اند. در سال ۱۳۷۷ با تغییر مقررات صادرات و واردات، نرخهای تعرفه بار دیگر به حقوق گمرکی و سود بازرگانی تبدیل شد و در اغلب صنایع نرخهای مؤثر حمایت از کالاهای نهایی افزایش پیدا کرد. در همان سال تولید فلزات اساسی، مواد غذایی و آشامیدنی، چوب و محصولات چوبی و پوشاک به ترتیب از بالاترین حمایتها و صنایع نساجی و کانی غیرفلزی از پایین ترین نرخ مؤثر حمایت برخوردار بوده‌اند.

بررسی‌های نهائی به عدم وجود یک استراتژی مشخص ارائه حمایت از صنایع مختلف ختم می‌گردد

زیرا که تغییرات قابل توجهی که در میزان حمایت‌های مؤثر طی سه سال مورد بررسی وجود دارد که نشانگر تغییرات مداوم سیاستها در اولویت‌بندی صنایع مختلف است و مشخص نیست که کاهش و افزایش حمایتها براساس چه اولییتی در سیاستهای صنعتی کشور بوده است.

قیمت گذاری سیمان از لحاظ موانع بازرگانی به عنوان یک مانع مهم شناخته می‌شود. زیرا این امر نه تنها فعالیت‌های بازرگانی خارجی سیمان را دچار اختلال می‌نماید بلکه به دلیل قیمت گذاری‌های انجام شده در مکانیزم عرضه و تقاضا جایگاه ضعیفی به دست می‌آورد. از لحاظ مسائل مرتبط با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیز یکی از معضلات در بخش سیمان همین امر خواهد بود. از لحاظ موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی پرداخت یارانه‌ها به انحاء مختلف حتی با اجبار از طریق قیمت گذاری کالاها بایست مرتفع گردد. با توجه به اهمیت این موضوع مروری بر قیمت گذاری سیمان نمودیم. اصولاً قیمت گذاری دولتی سیمان در ایران باعث شده است که دولت سهمیه بندی در توزیع را نیز به عهده بگیرد. اتخاذ چنین روشی موجب گردیده است که قیمت سیمان با نرخ دولتی کمتر از نرخ آن در بازار آزاد شده و این امر موجب اختلال در بازار سیمان گردیده است.

همانگونه که ملاحظه گردید موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای موجود در اقتصاد ایران از جمله موانع موجود بر سر راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی است. وجود انواع تعرفه‌ها و نرخهای بالای تعرفه بالاخص در صنعت سیمان، سیاست قیمت گذاری و مداخله سازمانها و کمیته‌های متعدد در امر قیمت گذاری و توزیع سیمان منجر به آن شده که درجه حمایت بالایی از صنعت سیمان بعمل

آید. بعلاوه وجود ممنوعیت‌های صادراتی در برخی سالها انگیزه تولیدکنندگان را کاهش داده و لذا افزایش ظرفیت سیمان در سطح ۳۰ میلیون تن اگرچه کمبود تقاضای موجود را جبران خواهد کرد اما بدلیل شدت حمایت‌های بعمل آمده از این بخش و قیمت‌های دستوری و دخالت در نحوه توزیع سیمان، صنعت سیمان و فرآورده‌های آن قادر به رقابت با محصولات مشابه خارجی نبوده و نیست.

دسترسی به سازمان تجارت جهانی مستلزم حذف قیمت‌های کنترل شده، محدودیت‌های کمی و ممنوعیت‌های واردات و صادرات می‌باشد که رفع همگی آنها شرط لازم برای بهبود قدرت رقابتی صنعت سیمان می‌باشد. در واقع الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم اتخاذ رفرم‌ها و اصلاحات اساسی برای کاهش نرخهای تعرفه و حذف موانع غیر تعرفه‌ای است. شایان ذکر است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه قبل از الحاق به سازمان تجارت جهانی نسبت به حذف موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای مبادرت نموده و بسترهای لازم را جهت الحاق ایجاد نموده اند. چنانکه ایران مصمم است به عضویت این سازمان درآید و از منافع آن بهره مند گردد و ضروریست که نسبت به برطرف نمودن چنین موانعی سریعاً اقدام نماید.

منابع و مأخذ

- Baldwin, Richard E. (2000), Regulatory protectionism developing nations, and a two-tier world trade system.
- Bora, B., A. Kuwahara, S., Laird, (2002), Quantification of non-tariff measures, Policy issues in international trade and commodities, study series no. 18. United Nations, Trade Analysis Branch, Division on International Trade in Goods and Services, and Commodities, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), Geneva, Switzerland.
<http://r0.unctad.org/p166/module2002Bangk/Module4/boralairdkuwa.pdf>
- Bosworth, Malcom (1999). Non-Tariff measures as trade barriers: yesterday problem or what? Paper prepared for the OECD workshop with non-member economies on barriers to trade in goods and services in the post-Uruguay round context. Paris, 27-28 September.
- Bouet, A., L. Fontagne, M. Mimouni, X. Pichot (2001), Market access maps: A bilateral and disaggregated measure of market access.
- Deardorff, A., R. Stern (1998), The measurement of non- tariff barriers, OECD, Economic Department Working Papers No. 179, OECD, Washington.
http://heiwww.unige.ch/~baldwin/papers/NTBs_brookings_trade_forum00_baldwin.pdf
<http://www.cepii.fr/anglaisgraph/communications/pdf/2001/washington/macmaps.pdf>
http://www.nuca.ie.ufrj.br/infosucro/biblioteca/negociacoes/Baldwin_regulatory.pdf
- Bidabad, B., N. Kalbasi Anaraki (2004), Effects of Iran's WTO Accession on the cement industry. Effects of Iran's WTO Accession on the cement industry. With co-operation of Nahid Kalbasi Anaraki. European Cement Conference 2004 proceedings, 4th conference and exhibition for the trends, the

environment, emissions trading, markets, production and processing technology of cement in Europe, 15-16 March 2004, Barcelona, Spain, pp.3.1-3.8, Pro Publications International Ltd.
http://www.geocities.com/bijan_bidabad/cement.htm

- <http://www.cementdistribution.com/industryinfo/trade.html>
 - http://www.International.econ.com/v1.0/ch20/20_colo.html.
 - Measuring protectionism: average tariff rates around the world by Steven Suranovic (2003). <http://internationalecon.com/v1.0/ch20/20c010.html>.
-
- بنایی، رضا (۱۳۷۷) آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
 - بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲)، آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، تهران. http://www.geocities.com/bijan_bidabad/wtosanat3.htm
 - بیدآباد، بیژن (۱۳۷۵)، طراحی مدل اقتصاد سنجی برای تعیین روند واردات و صادرات در بخش صنعت و ارائه نتایج حاصله. فصل پنجم از: بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت. پروژه تحقیقاتی مشترک توسط اکبر کمیجانی، محمد حسین حکیمیان، تقی ناصر شریعتی، مجید درویش، حمیدرضا اشرفزاده، رضا بنائی، محمدرضا رفعتی، اسفندیار امیدبخش، بیژن بیدآباد، مقتدرالانام روانبخش، عباسعلی اکبریان، مریم رجائیان، مهناز تهرانی، سازمان مدیریت صنعتی.

- بنایی، رضا (۱۳۷۷) آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- لوموشینی، جیانکار، پاتریک لو و الکساندر بیتس، مرلیندا اینکو (۱۳۷۷)، تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت، ترجمه توسط احمد یزدان پناه و ابراهیم علی رازینی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- مرکز تجارت بین‌الملل کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد و سازمان جهانی تجارت و دبیرخانه مشترک المنافع (۱۳۷۵)، راهنمای تجاری دور اروگوئه، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.
- رازینی، ابراهیم علی. روشهای منطقی کردن تعرفه‌های در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی چاپ اول، آبان ۱۳۷۸
- مقررات صادرات و واردات سالهای مختلف. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- رفعتی، محمدرضا و ابراهیم علی رازینی رحمانی (۱۳۸۱) سیاستهای حمایتی و پیامدهای آن در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۶.